

## سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام:

### تداوم موازنه سازی و هویت‌یابی انقلابی

سید امیر نیاکوئی\*

علی قنادی\*\*

#### چکیده

توافق هسته‌ای ایران و قدرت‌های بزرگ در تابستان ۱۳۹۴ که در ازای برداشته شدن تحریم‌های هسته‌ای، منجر به محدود شدن برنامه هسته‌ای ایران در میان مدت شد، سوال‌هایی مهم درباره جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی به وجود آورده است. این مقاله به دنبال یافتن پاسخ به این سوال است که آیا این توافق، ایران را به سمت سیاست خارجی مصالحه‌جویانه‌تر سوق داده است؟ بررسی رفتار و عملکرد سیاست خارجی ایران نشان می‌دهد که ایران بعد از توافق هسته‌ای در ازای چشم‌پوشی از برخی ابعاد کلیدی برنامه هسته‌ای، به سمت جبران این محدودیت‌ها در دو زمینه امنیتی و هویتی حرکت می‌کند. در زمینه هویتی، بعد از توافق هسته‌ای، موازی با تاکید بر مسایلی مانند «پیشرفت»، «خودباوری» و «استقلال علمی»، شاهد ادامه اصرار بر تحقیق و توسعه هسته‌ای هستیم. در حوزه امنیتی، از افزایش قابل توجه بودجه دفاعی گرفته تا گسترش دامنه ژئوپلیتیک اقدام‌های امنیتی و سرعت گرفتن برنامه موشکی و همچنین برخی رویکردهای امنیتی بی‌سابقه مانند اجازه استفاده از پایگاه نظامی هوایی نوژه به روسیه یا حضور نظامی چندجانبه

Niakoe@gmail.com

Alighannadi2008@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۲۴

\*. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول)

\*\* . دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه گیلان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۲۵

در خارج از مرزها، نشان دهنده جدی بودن حرکت ایران به سمت سیاست‌های جبرانی است.

## واژگان کلیدی

توافق هسته‌ای، برجام، امنیت، هویت، سیاست خارجی ایران، برنامه موشکی.

### مقدمه

توافق ۲۳ تیر ۱۳۹۴ ایران و ۵+۱ معروف به «برجام» منجر به این شد که ایران از بخش‌های قابل توجهی از برنامه هسته‌ای خود برای میان مدت چشم پوشی کند. ایران پذیرفت که هفت اقدام کلیدی شامل بازطراحی و بازساخت رآکتور تحقیقاتی آب سنگین اراک، کاهش ۹۸ درصدی ذخیره اورانیوم با غلظت پایین و تعهد به محدود کردن ذخیره این نوع اورانیوم در سطح زیر ۳۰۰ کیلوگرم، تولید نکردن اورانیوم بالای ۳،۶۷ درصد، جمع آوری و انبار سانتیریفیوژهای نصب شده (IR.1)، تغییر کاربری سایت فوردو، اجرای پروتکل الحاقی و ابهام زدایی از ابعاد مورد اختلاف حال و گذشته برنامه هسته‌ای انجام دهد. در مقابل، اتحادیه اروپا و آمریکا، روسیه و چین تعهد کردند کلیه تحریم‌های بین المللی، چند جانبه و یک جانبه‌ای را که به دلیل برنامه هسته‌ای ایران وضع شده بود، در روندی مشخص، لغو یا بی‌اثر کنند، روندی که با تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت در ۲۹ تیر ۱۳۹۴ کلید خورد.

توافق هسته‌ای ایران و ۵+۱ که بعد از حدود ۱۳ سال کشمکش بین ایران و غرب به دست آمد، پرسش‌های مهمی را درباره سیاست خارجی ایران به وجود آورد. این توافق حدود ۲۲ ماه بعد از سخنان رهبری انقلاب درباره «نرمش قهرمانه» در سیاست خارجی به دست آمد. (Khamenei.ir، ۱۳۹۲/۶/۲۶) در آمریکا، مطرح شدن این رویکرد از طرف کلیدی‌ترین مرجع تصمیم گیر در سیاست خارجی ایران، به عنوان نشانه‌ای جدی از این پنداشته شد که ایران با انتخاب حسن روحانی، آماده است رویکردی انعطاف پذیرتر در پیش بگیرد.

ایران و ۵+۱ در ۳ آذر ۱۳۹۲ (۲۴ نوامبر ۲۰۱۱) به یک توافق موقت شش ماهه و بعد از نزدیک به دو سال مذاکره، بر سر «برنامه جامع اقدام مشترک» معرف به برجام به توافق رسیدند. همزمان با توافق و بعد آن، این بحث در محافل و تصمیم سازان سیاست خارجی آمریکا مطرح شد که سیاست خارجی ایران بعد از توافق به چه سمتی حرکت خواهد کرد و چه مختصاتی خواهد داشت؟ آیا می‌توان

ایران پس از برجام را به سمت اقدامات مصالحه جویانه بیشتر در سیاست خارجی سوق داد؟ گفت وگویی باراک اوباما رییس جمهور آمریکا با نیویورک تایمز در ۲۴ تیر ۱۳۹۴، نشان داد این سوال که آیا سیاست خارجی ایران بعد از توافق در حوزه‌های دیگر نیز تغییر خواهد کرد یا نه، در بالاترین سطوح تصمیم‌گیری ایالات متحده مطرح است. رییس جمهور آمریکا گفت: «اگر شما پایگاه متفاوتی از افراد حاضر در تجارت و مبادلات اقتصادی در داخل ایران داشته باشید، این موضوع شاید نحوه تفکر آنها درباره هزینه‌ها و مخارج رفتارهای ثابت‌زدا را تغییر دهد. البته ما روی این موضوع حساب نمی‌کنیم.» (فارس، ۱۳۹۴/۵/۲۴) این پرسش که آیا سیاست خارجی ایران در سایه توافق هسته‌ای تغییر خواهد کرد یا نه، بعدها به شکلی کاملاً جدی در محافل دانشگاهی مرتبط با سیاست خارجی آمریکا از جمله کنفرانس چهارم آوریل ۲۰۱۶، شورای سیاست خارجی در کنگره آمریکا مطرح شد (AFPC, April 4, 2016).

پیش فرض این مقاله آن است که صرفنظر از این که در تهران چه دولتی بر سرکار باشد، رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی رهیافت‌ها، خطوط اصلی و مولفه‌هایی دارد که تغییر دولت‌ها، در آنها تغییرات بنیادین به وجود نمی‌آورد. معنی و مفهوم این پیش فرض محوری در رابطه با توافق هسته‌ای این است که برجام خطوط اصلی و بنیادین رفتار سیاست خارجی ایران را تغییر نخواهد داد. فرضیه مقاله این است که هر چند توافق هسته‌ای باعث شد ایران برای میان مدت، از جنبه‌های مهمی از فعالیت‌های هسته‌ای صرفنظر کند، ولی تلاش خواهد کرد به سمت جبران ابعاد امنیتی و هویتی فعالیت‌های هسته‌ای در فضاها آلترناتیو حرکت کند.

### چارچوب نظری و مسیر مقاله

چارچوب نظری مقاله بر اساس دو نظریه ساماندهی شده است. بخش اول مقاله، از خلال پنج رویکرد غالب در تحلیل سیاست خارجی ایران، دو رویکرد وسیع‌تر و جامع‌تر «امنیتی» و «هویتی» را استخراج می‌کند که ریشه در دیدگاه‌های کنت والتز و اسکات سیگن دارند. در این مورد، در بخش انتخاب روش شناختی دو رویکرد، بیشتر توضیح می‌دهیم. بخش دوم، بر اساس تمایز نظری سودمندهارولد و ماگارت اسپروت درباره محیط روانی و عملیاتی سیاست خارجی ساماندهی می‌شود. آنها محیط تصمیم‌گیری سیاست خارجی را به دو بخش محیط روانی و محیط عملیاتی تقسیم می‌کنند و می‌گویند که برای توضیح رفتار سیاست خارجی بازیگران، باید به «محیط روانی» افراد و گروه‌هایی نگاه کرد که تصمیم‌ساز سیاست خارجی هستند. محیط روانی، شامل محیط بین‌المللی و

عملیاتی زمین‌های است که تصمیم‌سازان سیاست خارجی آن را تصور یا ترجمه می‌کنند. (UKESSAYS, March 23, 2015)

بر اساس تمایز اسپروت‌ها، در محیط روانی تصمیم‌گیری سیاست خارجی ایران، دیدگاه‌ها، نظرات و تصمیم‌های مقام‌ها و نهادهایی بررسی می‌شود که در تصمیم‌گیری حوزه هسته‌ای، اثر قطعی و تعیین کننده دارند. بروندادهای این تصمیمات، همان اقدامات سیاست خارجی ایران است که بنابر تقسیم بندی اسپروت‌ها در محیط عملیاتی سیاست خارجی ظاهر می‌شود. به طور خلاصه، مقاله در یک روند همزمان، موضع‌گیری‌ها و نظرات تصمیم‌گیرندگان کلیدی را بررسی و سپس آن را با اقدامات سیاست خارجی ایران در محیط عملیاتی تطبیق می‌کند. برای هدف مقاله، ابتدا نسبت برنامه هسته‌ای با رویکردهای غالب تحلیل سیاست خارجی ایران سنجش و بررسی می‌شود که رفتار و سیاست هسته‌ای ایران با کدامیک از این رویکردها قابل توضیح دادن است. در مرحله آخر، در راستای فرضیه مقاله، بررسی خواهد شد که آیا توافق هسته‌ای، تغییری در رویکردهای سیاست خارجی ایران به وجود آورده است یا نه؟ اگر تغییری به وجود آمده در کدام بخش‌ها است و اگر تغییری انجام نشده، برجام برای غرب و ایران چه معنی و مفهومی دارد؟

### انتخاب روش شناختی دو رویکرد

بررسی دیدگاه‌های تبیین کننده رفتار سیاست خارجی ایران، نشان می‌دهد که بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، سیاست خارجی ایران بر اساس پنج رویکرد «ایدئولوژیک»، «امنیتی»، «ژئوپلیتیک»، «تجدیدنظرطلبانه» و «هویتی» تبیین شده است. به نظر می‌رسد، تقریباً با هر پنج رویکرد، کمابیش رفتار هسته‌ای ایران را می‌توان توضیح می‌دهند. به عنوان مثال، در ارزیابی ژئوپلیتیکی، بر این نکته تاکید می‌شود که ایران در حوزه ژئوپلیتیکی قرار گرفته که حرکت آن را به سمت گزینه هسته‌ای گریزناپذیر می‌کند. مجتبی مهدوی برنامه هسته‌ای ایران را با همین رویکرد تحلیل می‌کند: «ایران را قدرت‌های هسته‌ای از جمله روسیه، پاکستان، هند، چین و اسرائیل احاطه کرده‌اند.» (Mahdavi, 2013: 27)

در رویکرد ایدئولوژیک، برنامه هسته‌ای بازتابی از دیدگاه‌های ایدئولوژیک دیده می‌شود. رابرت جی ریردون، می‌نویسد: «اولویت‌ها و عقاید نخبگان ایرانی درباره مسئله هسته‌ای را ایدئولوژی رژیم شکل داده‌است. این ایدئولوژی، ایران را در مکانی ویژه از جهان در نظر گرفته، برای آن ماموریتی خاص تعریف می‌کند و انتخاب‌های استراتژیک ایران را در زمینه روایت انقلابی تعیین می‌کند. این

پیش فرض‌ها و عقاید ایدئولوژیکی هستند که ادراک‌ها از تهدیدهای خارجی، محاسبات از هزینه - فایده‌ها، گزینه‌های سیاسی متفاوت و توقعات درباره عواقب اقدامات و واکنش‌های احتمالی بازیگران مهم از جمله ایالات متحده را تحت تاثیر قرار می‌دهد.» (Reardon, 2012: 77) در رویکرد تجدیدنظرطلبانه نیز، برنامه هسته‌ای به عنوان گامی در مسیر تغییر وضع موجود موازنه قدرت در خاورمیانه دیده می‌شود. دیسموند بروفی با اشاره به «پذیرش ضمنی تسلیحات هسته‌ای اسرائیل از طرف جامعه بین‌المللی» (Brophy, 2011: 56)، ایران را «تنها کشور شیعه در منطق‌های با اکثریت سنی» می‌داند که احساس می‌کند «سلاح‌های هسته‌ای ابزاری قدرتمند هستند که با آنها می‌تواند» به «آرزوی تبدیل به قدرت برتر خاورمیانه» برسد. (Brophy, 2011: 47 - 48) با وجود چارچوب قابل قبول پنج رویکرد اشاره شده، در این مقاله تلاش می‌شود از تلفیق آنها، برنامه هسته‌ای ایران بر اساس دو رویکرد وسیع و جامع‌تر «امنیتی» و «هویت‌ی»، تحلیل شود. دو دلیل برای این تلفیق وجود دارد:

۱. دو رویکرد امنیتی و هویتی، رویکردهایی جامع و فراگیر هستند که ضمن توجه به متغیرهای بیشتر، رویکردهای ژئوپلیتیک، ایدئولوژیک و تجدیدنظرطلبانه را نیز دربرمی‌گیرند. به طور مثال، بررسی برنامه هسته‌ای ایران با رهیافت امنیتی، ابعاد ژئوپلیتیک را نیز مدنظر قرار می‌دهد، یا اینکه بررسی برنامه هسته‌ای با رهیافت هویتی، ضمن در نظر گرفتن متغیر ایدئولوژی و تجدیدنظرطلبی، به متغیرهای دیگری مانند ملی‌گرایی و جنبه‌های گفتمانی نیز می‌پردازد.
۲. به نظر می‌رسد دو رویکرد امنیتی (برگرفته از نظریه واقع‌گرایی) و هویتی (برگرفته از نظریه سازه‌انگاری)، در میان محققان برنامه هسته‌ای ایران شیوع و گستردگی بیشتری دارد. کنت والتز، در همان حال که در سطحی کلان، نظریه واقع‌گرایی ساختاری را سازماندهی کرده، در سطحی جزئی - تر، برنامه هسته‌ای ایران را به عنوان یک مورد مطالعاتی، بررسی می‌کند

### رویکرد امنیتی به برنامه هسته‌ای ایران

چهار دهه قبل در سال ۱۹۸۱، کنت والتز مقاله مناقشه برانگیز خود را منتشر و ادعا کرد که گسترش سلاح‌های هسته‌ای، جهانی باثبات‌تر به ارمغان خواهد آورد: «می‌توان توقع داشت که گسترش بیشتر سلاح‌های هسته‌ای، اثر عمیق‌تری (در محدود کردن جنگ‌ها و کشمکش‌ها) داشته باشد ... من دلایل زیادی دارم که معتقدم جهان با تعداد بیشتری از دولت‌های هسته‌ای، آینده‌ای امیدبخش‌تر خواهد داشت.» او پیش‌بینی می‌کرد جهان روزی شاهد ۱۰، ۱۲ یا حتی ۱۸ دولت هسته‌ای خواهد

بود. (Waltz, 1981) فرض اساسی والتز درباره تلاش کشورها برای هسته‌ای شدن، ریشه در نظریه نوواقع‌گرایی او دارد که نظام بین‌الملل را «ائتلاف واحدهایی خودیار» می‌داند که به دنبال «اطمینان از بقای خودشان هستند.» او با همین پیش‌فرض، نوشت که مهم‌ترین «راهی که دولت‌ها از طریق آن می‌توانند دست به خودیاری بزنند، فراهم کردن امنیت خودشان است» و سپس نتیجه گرفت: «اگر دولت‌ها بتوانند مهم‌ترین هدف غایی خودشان (یعنی امنیت) را بدون استفاده فعالانه از زور بدست بیاورند، بخت صلح بیشتر می‌شود. وقتی هزینه‌های جنگ در مقایسه با دستاوردهای احتمالی‌اش بیشتر شود، احتمال جنگ کمتر می‌شود» (Waltz, 1981) و از همینجا بود که پلی زد به سمت این استدلال: «درباره سلاح‌های هسته‌ای، بدون استثنا ثابت شده که هرکسی که سلاح‌های هسته‌ای به دست آورده با احتیاط و میانه روی رفتار کرده‌است» (Sagan, 2007: 137) او نوشت: «سلاح‌های هسته‌ای، اشتباهه محاسبه را سخت کرده‌اند، چونکه بعید است کسی نداند که (حتی) تعداد کمی کلاهک (هسته‌ای) نیز چقدر خرابی به بار می‌آورد ... وقتی استفاده فعالانه از زور، خود به تهدیدی معادل با شکستی بزرگ تبدیل شود، احتمال جنگ هم کمتر می‌شود.» (Waltz, 1981)

والتز بعدها، دیدگاه خود را به برنامه هسته‌ای ایران گسترش داد و در سال ۲۰۱۲ به صراحت توضیح داد که چرا معتقد است «ایران باید سلاح هسته‌ای به دست بیاورد؟» فرض اساسی والتز این است که هدف غایی برنامه هسته‌ای ایران، امنیتی است. او پیش‌بینی کرده که بحران حول برنامه هسته‌ای ایران می‌تواند سه مسیر را طی کند:

۱. دیپلماسی همراه با تحریم‌های جدی ممکن است ایران را متقاعد کند که پیگیری دستیابی به سلاح هسته‌ای را رها کند. با این حال، او می‌گوید بعید است چنین سناریویی اتفاق بیفتد زیرا «سوابق تاریخی نشان داده کشوری که برای دستیابی به سلاح هسته‌ای شرط بندی کند، به ندرت از انجام چنین کار منصرف می‌شود.» (Waltz, 2012: 2)

۲. طبق سناریوی دوم والتز ممکن است ایران روند منجر به آزمایش نخستین سلاح هسته‌ای را متوقف کند ولی مانند ژاپن به «ظرفیت آستانه» هسته‌ای برسد تا هر موقع که خواست، به سرعت یک سلاح هسته‌ای «بسازد و آزمایش کند.» البته والتز هشدار می‌دهد که ممکن است ایران به این نتیجه برسد که «ظرفیت آستانه» آنطور که باید کارآمد نیست. (Waltz, 2012: 2 - 3).

۳. در سومین سناریوی والتز، ایران به مسیر خود ادامه می‌دهد و اولین سلاح هسته‌ای را آزمایش می‌کند. او سپس با همان نگاه یکپارچه‌ای که به ماهیت دولت‌ها دارد، به صراحت از این سناریو دفاع می‌کند و معتقد است که دلیل اصلی برنامه هسته‌ای ایران، احساس عدم توازن منطق‌های

ایران در برابر «انحصار هسته‌ای اسرائیل» است .. او می‌گوید: «بیشتر تحلیل‌گران امریکایی، اروپایی و اسرائیلی و سیاستمداران هشدار می‌دهند که یک ایران مسلح هسته‌ای بدترین نتیجه احتمالی بن بست کنونی است. واقع امر این است که چنین (ایرانی) بهترین نتیجه خواهد بود و احتمال بیشتری دارد که ثبات خاورمیانه را بازسازی کند.» او سپس این جمله معروف خود را می‌گوید: «بر عکس این اعتقاد گسترده، سیاست (خارجی) ایران را عده‌ای «روحانیونی دیوانه» نمی‌سازند بلکه آن را آیه‌الله‌هایی می‌سازند که عقل سلیم کاملی دارند و مانند خیلی دیگر از رهبران، به دنبال بقا هستند.» (Waltz, 2012: 4)

### مدل امنیتی - هسته‌ای ایران

درباره اینکه ایران برنامه هسته‌ای خود نگاه امنیتی دارد یا نه، بحث‌های پرمناقش‌های درگرفته است. گزارش سال ۲۰۰۷ «برآورد اطلاعات ملی آمریکا (NIS)»<sup>۱</sup> را احتمالاً باید کلیدی‌ترین گزارش درباره نگاه امریکا به برنامه هسته‌ای ایران قلمداد کرد. این گزارش می‌گوید: «ارزیابی ما این است که تا پاییز ۲۰۰۳، نهادهای نظامی ایران با جهت‌دهی دولت، روی ساخت سلاح هسته‌ای کار می‌کرده‌اند». همین گزارش تصریح می‌کند: «ارزیابی ما با اطمینان بالا این است که تهران در پاییز ۲۰۰۳ برنامه سلاح هسته‌ای خود را متوقف کرده است. ما همچنین با اطمینان متوسط به بالا ارزیابی می‌کنیم تهران حداقل، گزینه توسعه سلاح هسته‌ای را گشوده نگه داشته است.» (NIC, 2008)

واقعیت این است که جنگ ۸ ساله ایران با عراق که در آن حکومت صدام بدون مخالفت موثر جهانی سلاح‌های شیمیایی و دیگر سلاح‌های نامتعارف را به کارگرفت، تصمیم‌گیرندگان رده بالای جمهوری اسلامی را به سمت قراردادن تسلیحات نامتعارف در سبد گزینه‌های نظامی سوق داد، ولی تقریباً شواهد جدی در این باره وجود ندارد که این روند به یک «تصمیم سیاسی یکپارچه» تبدیل شده باشد. گرت پورتر نویسنده امریکایی به گفت و گو با محسن رفیق دوست معاون اسبق سپاه پاسداران در سپتامبر ۲۰۱۴ اشاره کرده که او در این گفت و گو فاش می‌کند «به آیت الله خمینی پیشنهاد کرده که ایران کار برای ساخت سلاح هسته‌ای و شیمیایی را آغاز کند ولی وی در دو دیدار جداگانه، سلاح‌های کشتار جمعی را مغایر اسلام دانسته است.» پورتر با اشاره به تشدید جنگ شیمیایی عراق با ایران در ۱۹۸۷ می‌گوید که رفیق دوست امیدوار بود وضعیت جدید باعث تغییر نظر (امام) خمینی شود، ولی تغییری در تصمیم رهبر ایران ایجاد نشد: «فرقی نمی‌کند در میدان جنگ

1. National Intelligence Estimate

باشد و یا در شهرها، ما مخالف این کار هستیم، تولید چنین سلاح‌هایی حرام است و شما فقط حق تولید وسایل دفاعی را دارید». پورتر می‌نویسد: «رفیق دوست به یاد می‌آورد که (امام) خمینی با لحنی جدی از وی پرسیده که «اگر ما سلاح شیمیایی تولید کنیم، آن گاه چه تفاوتی بین من و صدام خواهد بود؟» (تابناک، ۱۳۹۳/۷/۲۵) همین مسئله بعدها در دیدگاه‌های رهبری انقلاب نیز منعکس شده است. (فارس، ۱۳۹۱/۷/۶)

با این حال، برخی به سخنان هاشمی رفسنجانی رییس جمهور وقت ایران در اکتبر ۱۹۸۸، دو ماه بعد از جنگ اشاره می‌کنند که گفته است: «بمب‌های شیمیایی و سلاح‌های بیولوژیک بمب اتمی فقرا هستند و به راحتی می‌توانند تولید شوند؛ ما بایستی آنها را حداقل برای دفاع از خودمان از نظر دور نداریم.» (Global Security) به نظر می‌رسد همانگونه که آنتونی کوردزمن می‌گوید «احتمالا جنگ عراق، مهم‌ترین دلیل برای (گرایش) ایران به گزینه هسته-ای» بوده (Cordesman, 2012)، ولی شواهد جدی وجود ندارد که این تمایل به یک «تصمیم سیاسی یکپارچه» تبدیل شده باشد. رویکرد امنیتی ایران به برنامه هسته‌ای، عمدتاً بر اساس مدلی قابل توضیح است که برخی مانند کنت والتز آن را «مدل هسته‌ای ژاپن» تعبیر می‌کنند. (Waltz, 2012: 2 - 3)

### رویکرد هویتی به برنامه هسته‌ای ایران

نقطه عزیمت رویکرد سازه انگارانه به سیاست خارجی ایران، تاکید بر مسئله هویت است. در نگاه سازه انگارانه، هویت تعریفی است که یک بازیگر از «خود» دارد ولی این «خود» در مقایسه و تعامل مداوم با دیگران شکل گرفته و به مرور زمان بازسازی می‌شود. (مرتضویان، ۱۳۹۲: ۳ - ۴) از همین نقطه توجه رویکرد سازه انگارانه به «هویت» کلید می‌خورد و نقطه افتراق آن با رویکرد امنیتی به برنامه هسته‌ای ایران شکل می‌گیرد. برای کسانی مانند والتز که برنامه هسته‌ای ایران را با رویکرد امنیتی توضیح می‌دهند، ویژگی دولت‌ها مهم نیست؛ اینکه سلاح‌های اتمی در دستان جمهوری اسلامی ایران باشد یا ایالات متحده آمریکا یا جمهوری خلق کره، تفاوتی نمی‌کند: «مسئله این نیست که چه کسی این سلاح‌ها را دارد، بلکه هر کسی که آنها را داشته باشد، مانند هر کس دیگری رفتار می‌کند که تا حالا آنها را داشته است.» (Sagan, 2007: 143) والتز مصرانه می‌گوید: «بدون استثنا ثابت شده که هر کسی به سلاح‌های هسته‌ای دست پیدا کرده، با احتیاط و میانه‌روی رفتار کرده است.» (Sagan. 2007: 137) او می‌گوید: «سلاح‌های اتمی فقط یک مقصود دارند، فقط یک



منظور، آنهم چیزی نیست جز بازدارندگی.» (Sagan, 2007: 145) در مقابل رویکرد امنیتی، برای رویکرد هویتی این سوال که «چه کسی» به دنبال «چه برنامه‌ای» است نه تنها مهم، بلکه کلیدی است. اسکات ساگان می‌پذیرد که سلاح‌های هسته‌ای بازدارندگی ایجاد می‌کنند ولی هیچ تضمینی وجود ندارد که بازدارندگی آنگونه که والتز می‌گوید، در همه موارد و همه دولت‌ها جواب دهد. برخلاف والتز که دولت‌ها را مانند توپ بیلاردی می‌بیند که همه آنها صرف نظر از سکولاریسم، اسلامی بودن یا سوسیالیست بودن، رفتارهای یکسانی دارند، حامیان دیدگاه هویتی، دولت‌ها را مانند جعبه سیاهی می‌بینند که برای پیش بینی رفتار هسته‌ای‌شان، باید آنها را گشود. سیگن می‌گوید: «برای درک اینکه سلاح‌های هسته‌ای احتمالاً منجر به بازدارندگی موفق می‌شوند و در چه شرایطی احتمال (بازدارندگی) شان کمتر است، نیاز داریم جعبه سیاه تصمیم‌سازی داخل دولت‌ها را بازکنیم و ببینیم چه کسی کنترل و مدیریت سلاح‌های اتمی یا ادوات (مربوط به آنها) را در دست دارد.» (Sagan, 2007: 138)

### پاسخ‌های متفاوت رویکرد هویتی

رویکرد هویتی به برنامه هسته‌ای چند ویژگی مهم دارد:

اول اینکه این رویکرد راه را برای پاسخ‌های متفاوت به رفتار هسته‌ای ایران به عنوان بخشی از سیاست خارجی آن می‌گشاید. ممکن است محقق سیاست خارجی با مد نظر قرار دادن این جمله امام خمینی علیه السلام: «اگر ما سلاح شیمیایی تولید کنیم، آن‌گاه چه تفاوتی بین من و صدام خواهد بود» (تابناک / ۱۳۹۳/۷/۲۵) به این نتیجه برسد که امام خمینی به عنوان تصمیم‌گیر نهایی در سیاست خارجی، هیچ‌گاه ایران را به سمت سلاح هسته‌ای سوق نخواهد داد.

با این حال، رویکرد هویتی با گشودن «جعبه سیاه» دولت، راه را برای پاسخ‌هایی متفاوت نیز هموار می‌کند. به طور مثال، ممکن است محقق سیاست خارجی با استناد پیشنهاد محسن رفیق دوست به امام خمینی، نتیجه‌گیری کند که ایران علی‌رغم حکم به حرمت سلاح هسته‌ای، در نهایت به سمت ساخت سلاح هسته‌ای خواهد رفت.

ویژگی دوم رویکرد هویتی این است که برخلاف نظریه‌های دولت محور که دولت را موجودیتی ثابت با رفتارهای ثابت می‌دانند، در رویکرد هویتی، هویت دولت‌ها دگرگون‌شونده و متغیر است. هویت تعریفی است که یک بازیگر از «خود» دارد ولی این «خود» در مقایسه و تعامل مداوم با دیگران شکل گرفته و به مرور زمان دگرگون می‌شود: «ونت این‌گونه بیان می‌کند که چگونه

«خود» بر اساس برداشتی که از (یک) وضعیت دارد نشانه‌ای برای دیگری می‌فرستد و دیگری این نشانه را بر مبنای برداشت «خود» از وضعیت تفسیر می‌کند و بر اساس این تفسیر، علامتی به «خود» می‌دهد و «خود» پاسخ می‌دهد و در این تعامل است که هویت خود و دیگری به عنوان دوست یا دشمن یا رقیب شکل می‌گیرد. پس در این بستر است که شناخت مشترک خلق می‌شود و یادگیری اجتماعی رخ می‌دهد.» (مرتضویان، ۱۳۹۲: ۱۲۱ - ۲۲)

در بستر چنین رویکردی، ایران سیاست هسته‌ای ثابتی نخواهد داشت. ممکن است زمانی برآیند تصمیم‌سازی بر اساس برداشت «خود» در مقابل صدام شکل بگیرد: «اگر ما سلاح شیمیایی تولید کنیم، آن‌گاه چه تفاوتی بین من و صدام خواهد بود» و زمانی دیگر، بر اساس برداشت از «خود» در برابر هژمون جهانی به نام امریکا شکل بگیرد، امریکایی که به گفته سیگن در ایران به دنبال «تغییر رژیم» است و «ایرانیان را تشویق می‌کند که به این اعتقاد برسند که سلاح هسته‌ای چیزی است که در میان مدت به آن نیاز دارند.» (Sagan, 2007: 144)

ویژگی سوم رویکرد هویتی این است که بر خلاف نگاه امنیتی، به این نتیجه نمی‌رسد که هدف نهایی ایران به عنوان یک دولت، لزوماً دستیابی به سلاح اتمی است. هویت مفهومی دگرگون‌شونده است که یک دولت آن را در رابطه با دیگران تعریف می‌کند. آنگونه که سیگن می‌گوید زمانی در دهه ۱۹۶۰، آزمایش سلاح هسته‌ای تبدیل به عامل پرستیژ ملی دولت‌های بزرگ شده بود (Schmidt, 2008: 21) با این حال، برای دولتی مانند ایران با چشم‌انداز هویتی تبدیل «ایران ۱۴۰۰» به «جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ی آسیای جنوب غربی» (Khamenei.ir: ۸۲) احتمالاً همانگونه که مایکل هرزوغ می‌گوید: «توسعه زیر ساخت‌های انرژی هسته‌ای غیر نظامی تبدیل به موضوع پرستیژ ملی شده است.» (Schmidt, 2008: 65)

### مدل هویتی - هسته‌ای ایران

اسکات سیگن تاکید می‌کند که انگیزه‌های امنیتی تنها محرک کشورها به سمت هسته‌ای شدن نیستند. او یک مدل سه پایه‌ای برای توضیح اینکه محرک کشورها به سمت سلاح هسته‌ای چیست طراحی کرده و علاوه بر انگیزه‌های امنیتی، معتقد است که رقابت‌های «بورکراتیک داخلی» و همچنین «نمادهای هنجاری بین‌المللی مدرن شدن و هویت» نیز کشورها را به سمت هسته‌ای شدن سوق می‌دهد. سیگن در رابطه با متغیرهای هویتی می‌گوید که سلاح‌های هسته‌ای می‌توانند کارکردهایی اضافی به مسایل امنیتی بدهند و به نماد پیشرفت فناوری و مدرن شدن تبدیل و بازتاب

هویت یک ملت باشند. (Schmidt, 2008: 63) او توضیح می‌دهد: «از منظر جامعه‌شناسانه، سازمان‌های نظامی و سلاح‌های آنها می‌توانند کارکردهای خدمات دهنده‌ای شبیه به پرچم، خطوط هوایی و تیم المپیک داشته باشند. (Schmidt, 2008: 21)

البته سیگن به طور عمده بحث خود را بر انگیزه‌های حرکت دولت‌ها به سمت سلاح هسته‌ای متمرکز کرده ولی تمرکز مدل او بر جنبه‌های هویتی، راه را برای بکارگیری آن برای توضیح رفتار هسته‌ای ایران گشوده نگه می‌دارد. اولین گام‌های جدی ایران در برنامه هسته‌ای به سال ۱۳۵۳ برمی‌گردد، زمانی که امیر عباس هویدا نخست وزیر وقت، در ملاقاتی کوتاه با علی اکبر اعتماد، دستور شاه برای تأسیس سازمان انرژی اتمی ایران را به او ابلاغ می‌کند. (یوسفی، ۹۵)

به نظر می‌رسد محرک اولیه این برنامه، همان گرایش‌هایی است که سیگن آنها را در چارچوب بحث‌های هویتی مطرح و با مفاهیمی مانند «سمبل پیشرفت فناوری، مدرن شدن» توضیح می‌دهد. (Schmidt, 2008: 63) شاه برنامه هسته‌ای را بخشی از حلقه به هم پیوسته سیاست‌های مدنی‌زاسیون می‌دانست که از نظر او می‌توانست ایران را وارد باشگاه کشورهای پیشرفته غربی کند. با وجود این، شاه نیم‌نگاهی هم به جنبه‌های امنیتی برنامه هسته‌ای ایران داشت. علی اکبر اعتماد رییس وقت سازمان انرژی اتمی ایران از قول شاه می‌نویسد: «در منطقه اگر ده سال، پانزده سال، بیست سال دیگر این تعادل به هم بخورد، یعنی ایران احساس کند که برتری نظامی اش را دارد از دست می‌دهد - البته شوروی به کنار - مسئله یک جور دیگر مطرح می‌شود. سوال کردم: چطور می‌تواند مطرح می‌شود؟ فرمودند: من نمی‌دانم. شرایط آن روز را نمی‌دانم، ولی اگر وضع عوض شد، باید روز از نو روزی از نو، باید بنشینیم صحبت کنیم چه راهی باید برویم. حالا آن روز ممکن است بمب اتمی مطرح شود.» (یوسفی، ۱۳۹۵)

وقوع انقلاب در سال ۱۳۵۷ و محوریت آنچه که جنبه‌های انقلابی هویت در ایران خوانده می‌شود، نه تنها برنامه هسته‌ای را از اولویت خارج کرد بلکه باعث شکل‌گیری نگاهی متفاوت به آن شد. در آستانه انقلاب، دانشجویان ایرانی که مشغول آموختن دانش هسته‌ای در آلمان بودند، نزد امام در پاریس اطلاعاتی‌های پخش کردند که در آن، تولید برق هسته‌ای و تأسیس نیروگاه‌های هسته‌ای از جمله بوشهر به عنوان خیانتی بزرگ به کشور معرفی شده بود. (تسنیم، ۱۳۹۲/۸/۷) یک سال بعد، روزنامه جمهوری اسلامی مقاله‌ای با عنوان «نیروگاه‌های هسته‌ای، خیانتی آشکار به خلق ایران» منتشر کرد. (علوی، ۱۳۵۸: ۵)

هرچند در طول جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۷ تلاش‌هایی سازمان نیافته برای تکمیل

نیروگاه بوشهر انجام شد، ولی چارچوب سازمان یافته‌ای درباره شروع برنامه هسته‌ای ایران پدید نیامد. بکارگیری گسترده سلاح‌های شیمیایی از سوی عراق در طول جنگ، باعث شکل‌گیری دیدگاه‌هایی پراکنده درباره لزوم حرکت به سمت تسلیحات نامتعارف شد، ولی به نظر می‌رسد بعد از وقوع انقلاب، یک برنامه هسته‌ای با تمام ابعاد آن، اولین بار در اواخر دهه ۱۳۷۰ شمسی کلیدخورده و د دهه ۱۳۸۰ علنی شده‌است. در آگوست ۲۰۰۲ (مرداد ۱۳۸۱) مجاهدین خلق برای اولین بار فاش کردند که ایران در نطنز و اراک در حال تاسیس دو مرکز مخفی هسته‌ای است. (IAEA, 2017) بعد از تاسیسات اتمی بوشهر، این دو مرکز اولین مراکزی بودند که نشان می‌داد ایران به سمت یک برنامه هسته‌ای ملی مستقل داخلی حرکت می‌کند. علی اکبر صالحی رییس سازمان انرژی اتمی در گفت و گوهای مختلفی تاکید کرده که دلیل حرکت ایران به سمت برنامه غنی سازی مستقل اجتناب طرف‌های غربی از تامین نیازهای ایران بوده است: «در مورد ساخت نیروگاه هم به این فکر کردیم که سوختش را به ما نمی‌دهند پس باید خودمان بسازیم بنابراین به سمت غنی سازی رفتیم.» (تسنیم، ۹۴/۱۰/۳۰) منابع اطلاعاتی امریکا گفته‌اند که از ساخت این مراکز مطلع بوده‌اند (Lewis, 2006) ولی ایران به طور رسمی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را از ساخت این دو مرکز مطلع نکرده بود.

محمد البرداعی مدیرکل وقت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در فوریه ۲۰۰۳ (بهمن ۸۱) از تاسیسات نطنز بازدید کرد و از ایران خواست پروتکل الحاقی توافقنامه پادمان با آژانس را امضا کند. (NTI, 2011) متعاقب این بازدید و گزارشی که البرداعی به شورای حکام آژانس ارائه کرد، با تلاش کشورهای غربی از جمله آمریکا اولین قطعنامه علیه ایران در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تصویب شد که ضمن تاکید بر امضای پروتکل الحاقی، از ایران می‌خواست که غنی سازی اورانیوم را تعلیق کند. (IAEA, 2017) این، نقطه شروع پرونده هسته‌ای ایران در شکل جدید آن بود که با شروع مذاکرات ایران با گروه موسوم به تروئیکای اروپا (فرانسه، آلمان، انگلیس)، در سال ۲۰۰۴ برای حل مسئله از طریق مذاکره، وارد مرحله‌ای جدید شد. این مذاکرات بعد از یک دوره تعلیق غنی سازی اورانیوم از طرف ایران، بی نتیجه ماند و در فوریه ۲۰۰۶ شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع کرد. (IAEA, 2017) این، نقطه آغاز بحرانی شدن پرونده هسته‌ای ایران بود.

ممکن است تعجب برانگیز باشد، ولی به نظر می‌رسد در دوره جدید نیز جنبه‌های هویتی اولین محرک برنامه هسته‌ای ایران بوده است، هرچند نمی‌توان از نیم نگاه امنیتی به این برنامه نیز صرف

نظر کرد. بررسی موضع‌گیری مقام‌های بلندپایه ایرانی از سال‌های ابتدایی شروع پرونده هسته ایران به شکل جدید آن، نشان می‌دهد دستیابی به قدرت هسته‌ای یک جنبه هویتی در رابطه با تعریف خود در رابطه با دیگران دارد. رهبری انقلاب در اول فروردین ماه ۱۳۸۲، به فاصله کوتاهی بعد از مطرح شدن مسئله هسته‌ای ایران می‌گوید: «ما خود فناوری اتمی را به کوری چشم دشمنان به دست آوردیم ... جوانان، متفکرین و استعداد‌های جوشان و درخشان ما خود توانستند بدون کمک در طول چند سال، آرام آرام این فناوری را به دست آورند. فناوری اتمی و هسته‌ای غیر از ساختن بمب اتم است ..» (Khamenei.ir: ۱۳۸۲/۱/۱) «می‌دانند که در این جا مسئله، مسئله‌ی سلاح اتمی نیست؛ مسئله‌ی استقلال یک ملت است. (Khamenei.ir: ۱۳۹۵/۳/۲۹) در سخنان اکثر مقام‌های ایرانی از جمله رهبری انقلاب بعد از سال ۱۳۸۲، کلید واژه‌های مشترکی مانند «پیشرفت» «علم»، «فناوری»، «جوانان»، «خودباوری»، «استقلال علمی»، در رابطه با یک متغیر خارجی مانند تبدیل ایران به قدرت منطق‌های در ایران ۱۴۰۴، به چشم می‌خورد.

در سطح افکار عمومی ایرانیان، برنامه هسته‌ای طی حدود ۱۰ سال گذشته به عنوان برنامه‌ای مهم و ملی تلقی شده است. مطالعه مشترک مرکز مطالعات بین‌المللی و امنیتی دانشگاه مریند، دانشگاه تهران و IranPoll.com نشان می‌دهد بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵، به طور متوسط از هر ۱۰ ایرانی ۸ نفر، برنامه هسته‌ای ایران را بسیار مهم دانسته‌اند. همین نظر سنجی نشان می‌دهد ۴۰ درصد ایرانیان در پاسخ به این پرسش که به نظرتان مهم‌ترین دستاورد ایران در سال‌های اخیر چیست، گفته‌اند که «برنامه هسته‌ای» را مهم‌ترین دستاورد ایران می‌دانند (Mohseni, 2015: 8)

### گره هویت - امنیت

هرچند جنبه‌های هویتی مانند دستیابی «ایران ۱۴۰۴» به «جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ی آسیای جنوب غربی» (Khamenei.ir: ۸۲/۸/۱۳) باعث شده که برنامه هسته‌ای را به شکلی جدی در دستور ایران قرار بگیرد، ولی جنبه هویتی مسئله هسته‌ای ایران در طول زمان در تعاملی مداوم با مسایل سیاست خارجی و امنیت ملی دگرگون شده است. یک بار دیگر دیگاه ونت را درباره نحوه دگرگونی هویت‌ها مرور می‌کنیم: «ونت این گونه بیان می‌کند که چگونه «خود» بر اساس برداشتی که از (یک) وضعیت دارد نشانه‌ای برای دیگری می‌فرستد و دیگری این نشانه را بر مبنای برداشت «خود» از وضعیت تفسیر می‌کند و براساس این تفسیر، علامتی به «خود» می‌دهد و «خود» پاسخ می‌دهد و در این تعامل است که هویت خود و دیگری به عنوان دوست یا

دشمن یا رقیب شکل می‌گیرد. پس در این بستر است که شناخت مشترک خلق می‌شود و یادگیری اجتماعی رخ می‌دهد.» (مرتضویان، ۱۳۹۲: ۱۳۱ - ۲۲) بررسی نظریه هویتی ونت در زمینه مسئله هسته‌ای ایران نشان می‌دهد که محرک اولیه این برنامه در گستره کنونی آن، همان تعریف از خود در مقایسه با دیگری در بستر تبدیل ایران به جایگاه اول منطقه بوده است ولی این بستر در طول زمان دگرگون شده است. اولین سیگنال‌ها از «خود هسته‌ای» ایران به شکل جدید آن در سال‌های پایانی دهه ۱۳۷۰ با درخواست برای دسترسی به اورانیوم غنی شده برای استفاده در راکتور تهران و امتناع طرف‌های غربی، شکل گرفت. علی اکبر صالحی رییس سازمان انرژی اتمی می‌گوید: «ما اساساً قصد تولید غنی‌سازی ۲۰ درصد را نداشتیم ولی به ما سوخت ندادند.» (فارس، ۱۳۹۲/۹/۹)

سیگنال طرف غربی به ایران امتناع از فروش سوخت به ایران بود و ایران نیز بر اساس همین برداشت از «دیگری»، دومین گام را به سمت «خود هسته‌ای» برداشته است. صالحی می‌گوید: «به ما سوخت ندادند و تولید کردیم، برای یک راکتور نیاز داشتیم که به همان اندازه تولید کردیم.» (فارس: ۱۳۹۲) فاصله چند ساله امتناع غرب و تولید سوخت در ایران، دوره‌ای است که ایران در برنامه‌ای اعلام نشده که طرف‌های غربی آن را مخفی تعبیر می‌کنند، فعالیت‌های هسته‌ای خود را پیش می‌برد و با ساختن زیرساخت‌های اولیه برای یک برنامه غنی‌سازی، به «خود هسته‌ای جدید» می‌رسد. «خود هسته‌ای جدید» ایران، این بار از طرف یک بازیگر سوم به نام سازمان مجاهدین خلق به جامعه بین‌المللی معرفی می‌شود و به نظر می‌رسد بخش مهمی از تعریفی که طرف‌های غربی از «خود هسته‌ای جدید» ایران به دست آورده‌اند نیز، همان تصویری است که این بازیگر ثالث ارائه کرده است. ایران طی سال‌های اولیه شکل‌گیری پرونده هسته‌ای، تلاش می‌کند تصویری متفاوت از «خود هسته‌ای جدید» ارائه کند که با برداشت طرف‌های غربی متفاوت است. محمد البرادعی رییس وقت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ایران دعوت و از تاسیسات نطنز بازدید می‌کند و مقام‌های ایرانی تأکید می‌کنند که تعبیر برنامه هسته‌ای ایران به برنامه سلاح هسته‌ای ناشی از سوء تفاهم است: «بین فناوری هسته‌ای و سلاح هسته‌ای، خلط مبحث می‌شود و حقیقت قضیه غیر از اینهاست.» (Khamenei.ir: ۱۳۸۳/۴/۱)

نکته قابل توجه اینکه، ایران در مه ۲۰۰۳، از طریق «تیم گولدمن» سفیر سابق سوییس در تهران، طرحی جامع برای مذاکره با آمریکا بر سر دامنه گسترده‌ای از مسایل بین دو کشور ارائه می‌کند که در آن مسایلی مانند امنیت منطق‌های و همکاری اقتصادی، مسئله تروریسم و همچنین مسایل مربوط به فناوری هسته‌ای، شیمیایی و بیوتکنولوژی نیز ذکر شده، ولی دولت جورج بوش

رییس جمهور وقت آمریکا این طرح را رد می‌کند. (Davenport, 2014) بی‌نتیجه ماندن مذاکرات ایران و سه کشور اروپایی معروف به تروئیکا، ارجاع مسئله هسته‌ای ایران از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت در سال ۲۰۰۵ و قرار گرفتن آن تحت فصل هفت منشور ملل متحد، ایران را آرام آرام به سمت برداشتی جدید از هدف «دیگری» در رابطه با «خود هسته‌ای» ایران سوق می‌دهد، برداشتی که همانطور که الکساندر ونت در تشریح دیدگاه هویتی خود گفته «در این تعامل است که هویت خود و دیگری به عنوان دوست یا دشمن یا رقیب شکل می‌گیرد.» برداشت جدید ایران این است که طرف‌های غربی، سعی دارند از پرونده هسته‌ای به عنوان ابزاری برای مهار ایران استفاده می‌کنند: «مسئله‌ی انرژی هسته‌ای بهانه است. آن کسانی که خیال می‌کنند اگر ما مسئله‌ی انرژی هسته‌ای را حل کردیم، مشکلات حل خواهد شد، خطا می‌کنند. مسئله، مسئله‌ی فشار است، می‌خواهند یک ملت را به زانو در بیاورند؛ می‌خواهند انقلاب را زمین بزنند.» (Khamenei.ir: ۱۳۸۹/۶/۱۶) این برداشت طی سال‌های بعد به قدری تقویت می‌شود که در سایت رهبری انقلاب «هسته‌ای بهانه است» به یک کلید واژه تبدیل می‌شود، (Khamenei.ir: ۱۳۹۵/۷/۲۸) روندی که نشان دهنده کوششی برسازانه برای انعکاس این دیدگاه به جامعه در رابطه با «دیگران» یا همان کشورهای غربی است.

ایران که در سال ۲۰۰۳ طرحی جامع برای مذاکره با آمریکا بر سر دامنه گسترده‌ای از مسایل بین دو کشور ارائه کرده بود، تحت تاثیر همین برداشت جدید از هدف «دیگری» در رابطه با «خود»، مذاکره مستقیم با آمریکا بر سر مسئله هسته‌ای را برای یک دوره حدوداً ۸ ساله تعطیل کرد: «در هیچ یک از مسائل مورد اختلاف خودمان با آمریکا، ما با آمریکا مذاکره نمی‌کنیم. ... مذاکره مفهوم واقعی خودش را در مذاکرات آمریکا با طرف‌های خودش ندارد و از دست داده است.» (Khamenei.ir: ۱۳۸۵/۱/۱)

انتخابات خرداد ۱۳۹۲ شرایط جدیدی به وجود آورد. محمد جواد ظریف وزیر خارجه جدید ایران در مرداد ۱۳۹۲ با اولویت «خنثی کردن و در نهایت از بین بردن» آنچه که او «کمپین ضد ایرانی» به رهبری اسرائیل و بنیان‌آمریکایی آن برای «امنیتی کردن» پرونده هسته‌ای ایران خوانده، مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱ را شروع کرد. ظریف معتقد است «اسرائیل و ایالات متحده با به‌تصویر کشیدن ایران به عنوان تهدید نظم جهانی به دنبال مشروعیت‌زدایی از ایران هستند و ابزار اصلی این کمپین نیز «بحران» بر سر برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران است، بحرانی که از نگاه ایران، کاملاً دست‌ساز و در نتیجه بازگشت پذیر است.» (Zarif, 2014: 3)

بررسی تعامل ایران و بازیگران دخیل در پرونده هسته‌ای ایران در ۱۵ سال اخیر نشان می‌دهد که این تعامل، باعث شکل‌گیری «خود هسته‌ای جدید» از ایران شده که لزوماً با خود اولیه تصویری ایران منطبق نیست. این هویت هسته‌ای در طول زمان به شکلی ناخواسته به جنبه‌های امنیتی نیز گره خورده است. سیگن می‌گوید که برخی محققان از نوعی «پیوند مبهم بین تصمیمات حمایت از (برنامه) هسته‌ای و پیشبرد پرستیژ بین‌المللی صحبت می‌کنند و آن را به عنوان عامل نفوذ و امنیت بین‌المللی قلمداد می‌کنند.» کارستین معتقد است که بیشتر کشورها با توسعه سلاح هسته‌ای به دلیل تلقی<sup>۱</sup> منفی موجود از آنها مخالفند، ولی او تأکید می‌کند که در طول زمان، به بحث‌های هسته‌ای دولت‌ها، یک معنای نمادین مرتبط به هویت آنها نیز اضافه می‌شود. (Schmidt, 2008: 20) این موضوع در موضع‌گیری‌های مقام‌های ایرانی به خوبی منعکس است: «مسئله، مسئله‌ی سلاح اتمی نیست؛ مسئله‌ی استقلال یک ملت است.» (Khamenei.ir: ۱۳۸۴/۱۱/۱۸)

سیگن پا از این هم پیش‌تر گذاشته و می‌گوید که آمریکا با دنبال کردن سیاست تغییر رژیم در برابر برنامه هسته‌ای ایران، «ایرانیان را تشویق می‌کند به این اعتقاد برسند که سلاح هسته‌ای چیزی است که در میان مدت به آن نیاز دارند.» مایکل هرزوغ درباره ایران معتقد است: «در مورد ایران، توسعه زیر ساخت‌های هسته‌ای نظامی تبدیل به موضوع پرستیژ ملی شده، موضوعی که عدم همکاری دولت‌های غربی با ایران می‌تواند نیاز به استقلال و مصونیت در پرستیژ را بیشتر کند.» (Schmidt, 2008: 65)

در نگاه برآیندی، هرچند بررسی پرونده هسته‌ای ایران طی دو دهه گذشته شواهد جدی از حرکت ایران به سمت سلاح هسته‌ای را نشان نمی‌دهد ولی به نظر می‌رسد هویت هسته‌ای یا اصطلاحاً «خود هسته‌ای» ایران طی این مدت دچار دگرگونی جدی شده است. ایران برنامه هسته‌ای خود را با نگاه هویتی - پرستیژی به جایگاه برتر منطق‌های خود کلید زد، ولی از این آگاهی تلویحی نیز برخوردار بود که برنامه هسته‌ای نه تنها می‌تواند جنبه‌های نظامی داشته باشد، بلکه سلاح هسته - ای می‌تواند به عنوان ابزار بازدارندگی تلقی شود. در واکنش «دیگران» به «خود هسته‌ای» ایران، این برداشت غلبه پیدا کرد که خود هسته‌ای ایران به دنبال سلاح هسته‌ای است، سلاحی که حداقل برای ایران بازدارندگی ایجاد می‌کند. بر اساس همین برداشت حجم بزرگی از تعاملات و گفت‌وگوها در حاشیه و حوش مسئله هسته‌ای ایران شکل گرفته است؛ از تعاملات تحریمی گرفته تا ترور دانشمندان هسته‌ای؛ و از دکتربین‌ها و سناریوهای نظامی مربوط به «اقدام پیشگیرانه» و «اقدام بازدارنده» گرفته

1. Attitude



تا کسانی که معتقدند دستیابی ایران به یک یا دو بمب اتمی، چیز زیادی را تغییر نخواهد داد. New (York Times, Feb. 1, 2007)

به طور طبیعی، تصمیم گیرندگان سیاست خارجی ایران در هر لحظه از این وضعیت‌هایی که طرف‌های غربی برمی‌ساختند، به آگاهی‌های جدیدی از «خود هسته‌ای ایران» رسیده‌اند و هویت هسته‌ای ایران نیز بر اساس همین تعامل دگرگون شده است. اگر زمانی در سال‌های آغازین دهه ۱۳۸۰، ایران اصرار می‌کرد: «بین فناوری هسته‌ای و سلاح هسته‌ای، خلط مبحث می‌شود» و «ما اصولاً سلاح هسته‌ای نیاز نداریم.» در سال‌های نخستین دهه ۱۳۹۰، ادبیاتی متفاوت شکل می‌گیرد: «اگر ایران اراده می‌کرد که سلاح هسته‌ای داشته باشد، آمریکا به هیچ وجه نمی‌توانست جلوی او را بگیرد» یا اینکه: «سلاح هسته‌ای برای یک کشوری مثل کشور ما مایه‌ی دردسر است که حالا تفصیل این بماند.» (Khamenei.ir, ۱۳۹۴/۱/۲۰)

این نشان دهنده تغییر «خود هسته‌ای» ایران در یک روند تعاملی ۱۵ تا ۲۰ ساله با «دیگران» است. خود هسته‌ای ایران ابتدا بر اساس برداشت «خود از خود» و «دیگران از خود» شکل گرفت و در طول زمان به جنبه‌های هویتی جدیدی منتهی شده است، جنبه‌های هویتی که اکنون دیگر به مسایل امنیتی نیز گره خورده است.

### برجام و سیاست خارجی ایران

محمد جواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی در مرداد ۱۳۹۲ با دستور کار خنثی سازی و در نهایت از بین بردن آنچه که او «بحران غیر ضروری» حول برنامه هسته‌ای ایران خواند، مسئولیت پرونده هسته‌ای ایران را بر عهده گرفت. نتیجه حدود ۲۰ ماه مذاکره چندجانبه کم سابقه میان تیم مذاکره کننده ایران با پنج عضو شورای امنیت سازمان ملل و آلمان (۵+۱) که از مارس ۲۰۱۳ با مذاکرات مخفی ایران و آمریکا در عمان شروع شده بود، ابتدا منجر به یک توافق موقت معروف به «برنامه اقدام مشترک» در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۴ و در نهایت به «برنامه جامعه اقدام مشترک (برجام)» در جولای ۲۰۱۵ شد. در مقدمه برجام، این توافق نشانه «تغییر مسیر بنیادین»<sup>۱</sup> در نحوه برخورد با برنامه هسته‌ای ایران فرض شده و توافق شده که اجرای موفقیت آمیز برجام «ایران را قادر خواهد کرد به طور کامل حق خود بر انرژی هسته‌ای جهت مقاصد صلح آمیز را» استیفا کرده و در نهایت به عادی شدن مسئله هسته‌ای ایران منجر شود. (واخ: ۱۳۹۴)

---

1. Fundamental Shift

آیا در عمل، توافق هسته‌ای بین ۵+۱، منجر به پایان بحران غیر ضروری در پرونده هسته‌ای ایران خواهد شد؟ آنچه در این مقاله تحت عنوان «گره امنیت - هویت» تشریح شد، پاسخ مثبت به این پرسش را دشوار می‌کند.

### برجام و رویکرد امنیتی

برنامه هسته‌ای ایران در طول دو دهه گذشته موجب شکل‌گیری حجم بزرگی از گفتمان‌های امنیتی در سیاست خارجی ایران شده است. در اولین سال‌های شکل‌گیری پرونده هسته‌ای، دولت جورج بوش رییس‌جمهور وقت آمریکا سه گزینه «تغییر رژیم»، «تخریب زیرساخت‌های هسته‌ای ایران با عملیات خرابکارانه» و «اقدام نظامی محدود هوایی» در چارچوب دکترین «حمله پیش‌گیرانه»<sup>۱</sup> را به طور همزمان پیگیری می‌کرد. (Hersh, April 17, 2006)

بعدها، سناریوی بازدارندگی هسته‌ای<sup>۲</sup> با پیش‌فرض دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای به تصویر کشیده شد. مجادلات حول این موضوع با استناد به نقل‌قولی تاییدنشده از ژاک شیراک رییس‌جمهور وقت فرانسه در سال ۲۰۰۶ بود که گفته بود که اگر ایران یک یا دو بمب هسته‌ای هم داشته باشد، تهدید بزرگی نیست، چونکه اگر آنها را علیه اسرائیل به کاربگیرد، بلافاصله تهران نابود خواهد شد. (N.Y. Times, Feb. 1, 2007).

بعد از انتشار گسترده همین نقل‌قول رییس‌جمهور وقت فرانسه بود که بحث‌ها درباره کارآمدی بازدارندگی هسته‌ای در برابر ایران به طور جدی‌تری مطرح و مناظره معروف سیگن و والتز نیز انجام شد. در کنار اینها، سناریوهای دیگری درباره «ترور دانشمندان هسته‌ای»، «حمله سایبری به زیرساخت‌های هسته‌ای»، «امنیت زیست‌محیطی تاسیسات هسته‌ای» و ... مطرح و دامنه وسیعی از مسایل امنیتی هسته‌ای و غیرهسته‌ای در پیرامون پرونده هسته‌ای شکل گرفت. هر یک از سناریوها به مثابه علامتی جدید بودند که ایران در رابطه با «خود هسته‌ای» از محیط پیرامونی دریافت می‌کرد و در واکنش به آنها «خود هسته‌ای» جدیدی را بروز می‌داد. هرچند ایران طی ۱۵ سال گذشته مصرا نه تاکید کرده که دکترین نظامی ایران دفاعی است و در دکترین نظامی سلاح هسته‌ای جایگاهی ندارد (شبکه خبر، ۱۳۹۵/۱۱/۲۸)، ولی ایران در هر لحظه‌ای از این ۱۵ سال، در رابطه برنامه هسته‌ای خود با دیگران، به وضعیتی جدید رسیده که مجبور شده «خود هسته‌ای» را بر اساس همین وضعیت تعریف نماید. به عنوان مثال، در لحظه‌ای که تصمیم‌گیرندگان امنیتی ایران خود را در

1. Preemptive Attack

2. Nuclear Deterrence

معرض سناریوی «حمله پیشگیرانه» دیده‌اند، فهرستی نسبتاً طولانی از واکنش‌ها به ذهن آنان خطور کرده که احتمالاً گزینه‌هایی مانند «ایجاد بازدارندگی هسته‌ای»، «گریز هسته‌ای»<sup>۱</sup> و البته سایر گزینه‌های متعارف مانند «تقویت دفاع هوایی» و «ساخت تاسیسات هسته‌ای در عمق زمین» در این فهرست بوده‌اند. برخی از این گزینه‌ها، هیچ‌گاه در دکترین‌های امنیتی اعلانی وارد نشدند ولی دو نتیجه مهم داشته‌اند: اول اینکه منجر به این شدند که هویت هسته‌ای ایران تغییر کرده و در طول زمان، ضمایمی امنیتی نیز پیدا کند. دوم و مهم‌تر اینکه، برنامه هسته‌ای ایران در طول زمان، ضمایمی نمادین در رابطه با حاکمیت ملی، استقلال و پرستیژ ملی نیز پیدا کند. با ضمیمه شدن این دو جنبه به برنامه هسته‌ای ایران، به سختی می‌توان برجام را نقطه پایان بحرانی غیر ضرور در برنامه هسته‌ای ایران قلمداد کرد. برنامه هسته‌ای و فضای پیرامونی آن تا آینده‌ای قابل پیش بینی، همچنان روی میز ایران باقی خواهد ماند و تغییر در پارادایم حاکم بر آن، یا مستلزم تغییر و تحول بنیادین در فضای بین المللی در اثر تغییرات یکباره یا فرسایشی زمانبر و یا دگرگونی فضای سیاسی ایران است. مقایسه تجربه هسته‌ای ایران در سال‌های قبل و بعد از انقلاب ۱۳۵۷ به این نتیجه‌گیری منجر می‌شود که ممکن است برنامه هسته‌ای ایران دچار تاخیر شود ولی گره خوردن آن به جنبه‌های هویتی - امنیتی مانع تعطیلی آن خواهد شد.

### جایگزین هسته‌ای

یک بار دیگر پرسش اصلی مقاله را مرور می‌کنیم: آیا ایران پس از برجام به سمت اقدامات مصالحه جویانه بیشتر در سیاست خارجی سوق پیدا می‌کند؟

توافق هسته‌ای تیر ماه ۱۳۹۴ برنامه هسته‌ای ایران را محدود کرد و از این نقطه نظر، اقدامی مصالحه جویانه است. معنی تلویحی برجام، رضایت ایران به محدود کردن فعالیت‌هایی است که سیاست خارجی آن را دچار چالش کرده است. تحلیل این بخش از سیاست خارجی ایران بر اساس رویکرد «هویتی - امنیتی» منجر به این پیش بینی می‌شود که برنامه هسته‌ای صرفاً به تاخیر خواهد افتاد. می‌توان فرض کرد که ایران بر اساس برجام، مدتی برنامه هسته‌ای خود را در سطح کنونی حفظ و پس از آن، مجدداً مسیر توسعه هسته‌ای را درپیش بگیرد، ولی چنین فرضی، مستلزم نادیده گرفتن «خود هویتی - امنیتی» متفاوتی است که بعد از ۱۵ سال برنامه هسته‌ای ایجاد شده است. ایران در سال ۱۳۹۴ در شرایطی برجام را پذیرفت که «خود امنیتی - هویتی» آن نه با وضعیت

---

1 Nuclear Break-out

قبل از انقلاب ۱۳۵۷، بلکه با «خود امنیتی - هویتی» بعد از سال‌های دهه ۱۳۸۰ نیز قابل مقایسه نیست. از منظر هویتی، برنامه هسته‌ای به مسایلی مانند حاکمیت ملی، پرستیژ، شان بین‌المللی و استقلال گره خورد و از نقطه نظر امنیتی، ایران در معرض مسایل امنیتی جدیدی مانند بازدارندگی، دفاع هوایی، دفاع پیشگیرانه و امنیت سایبری - هسته‌ای، البته به شکلی کاملاً متفاوت از قبل قرار گرفت. تاثیر برنامه هسته‌ای بر چگونگی ورود، توسعه و تحول این مفاهیم در نگاه امنیتی، موضوع پژوهشی جداگانه است، ولی شواهد نشان می‌دهد امنیت ایران برای اولین بار تحت تاثیر برنامه هسته‌ای، به طور جدی در معرض این مفاهیم قرار گرفته است. به عنوان مثال، این برنامه هسته‌ای بود که ایران را برای اولین بار در معرض دکترین حمله پیشگیرانه آمریکا قرار داد و بر همین اساس، استراتژی بازدارندگی ایران بر اساس مولفه‌هایی مانند دفاع هوایی موثر، جنگ نامتقارن و ... متحول شد. برنامه هسته‌ای نه تنها این مولفه‌هایی جدید را پدیدآورد، بلکه حاوی این زمینه ذهنی - امنیتی علنی نشده بود که اقدام نظامی، «ایران را به سمت مسلح شدن به سلاح هسته‌ای سوق خواهد داد» (Terry, 2015) به علاوه، محققانی مانند کنت والتز این سناریو را هم محتمل می‌دانند که مدل برنامه هسته‌ای ایران، اساساً شبیه به ژاپن است (Waltz, 2012: 1) برجام نه تنها با افزایش زمان گریز هسته‌ای ایران در تئوری (Heinonen, 2015) این کارکردها را کاهش داد، بلکه دستکم بخش مهمی از دیوانسالاری امنیتی در ایران به این نگاه رسیدند که تهدیدها «پس از برجام و توافقات علیه ایران جدی‌تر شده است» (فارس، ۱۳۹۵ / ۲ / ۲۲)

اگر این پیش فرض اولیه مقاله را بپذیریم که رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران رهیافت‌ها، خطوط اصلی و مولفه‌هایی دارد که تغییر دولت‌ها، در آنها تغییرات بنیادین به وجود نمی‌آورد، به این پیش بینی خواهیم رسید که برآیند تحولات در فضای پس از توافق هسته‌ای، ایران را به شکل گریزناپذیری در مسیر جبران ابعاد امنیتی و هویتی فعالیت‌های هسته‌ای در فضاهای آترناتیو حرکت داده است. آیا واقعا چنین تغییر فازی رخ داده است؟ به نظر این طور می‌رسد. برای بررسی این موضوع، مطابق با چارچوب نظری مقاله، رفتار سیاست خارجی ایران بعد از برجام را در دو محیط روانی (سطح تصمیم گیری) و عملیاتی (اقدام) رصد می‌کنیم:

### ۱. محیط تصمیم سازی

ایران به فاصله اندکی بعد از توافق، زنجیره‌ای از رفتارهای سیاست خارجی بروز داد که تقریباً همگی بازتاب تلاش برای جبران ابعاد محدودشده هویتی و امنیتی فعالیت‌های هسته‌ای است. رهبری نظام

در ملاقات با جمعی از دانشجویان در پاسخ به سوالی درباره اثر توافق هسته‌ای بر رویارویی با استکبار گفتند: «مگر مبارزه‌ی با استکبار، تعطیل پذیر است؟ مبارزه‌ی با استکبار، مبارزه‌ی با نظام سلطه تعطیل پذیر نیست ... تکلیفش کاملاً روشن است و خودتان را آماده کنید برای ادامه‌ی مبارزه‌ی با استکبار.» (Khamenei.ir، ۱۳۹۴/۴/۲۰)

پیش از این موضع‌گیری، زنجیره‌ای از تصمیمات کلیدی در سطوح امنیتی نشان داد که ایران از ماه‌ها قبل خود را آماده کرده که در صورت توافق احتمالی، ابعاد محدودشده امنیتی و هویتی فعالیت‌های هسته‌ای خود را در فضاهای آلترناتیو جبران کند. در حوزه هویتی، هرچند ایران بر اساس توافق هسته‌ای به محدود شدن بخش‌های کلیدی برنامه هسته‌ای برای میان مدت رضایت داد، ولی محدودشدن «تحقیق و توسعه» به عنوان یک خط قرمز تلقی شد: «در طول سال‌های محدودیت هم باید تحقیق و توسعه ادامه داشته باشد.» (Khamenei.ir: ۱۳۹۴/۴/۲)

در ماه‌های بعدی، ایران ابتدا در واکنش به تمدید «قانون تحریم‌های ایران (ISA)»<sup>۱</sup>، برنامه‌ریزی برای طراحی و ساخت پیشران هسته‌ای و مطالعه و طراحی «تولید سوخت» مصرفی آن را شروع کرد و مدتی بعد، با تزریق گاز UF6 به سانتریفیوژهای معروف به IR.8، روند تحقیق و توسعه را ادامه داد، سانتریفیوژهایی که گفته شده تا ۲۰ برابر سانتریفیوژهای ایرانی نسل اول، ظرفیت غنی‌سازی دارند. (میزان، ۱۳۹۵/۱۱/۱) در دی ماه ۱۳۹۵، کمیته هسته‌ای مجلس در نامه‌ای به دولت، پیشنهاد ۱۰ برابر شدن رقم پیشنهادی دولت برای بودجه سازمان انرژی اتمی در سال ۱۳۹۶ را مطرح کرد. (میزان، ۱۳۹۵/۱۰/۲۵) هرچند این پیشنهاد در نسخه نهایی بودجه پیشنهادی دولت گنجانده نشد، ولی افزایش ۱۸ تا ۲۰ درصدی بودجه سازمان انرژی اتمی در سال ۱۳۹۶ (میزان، ۱۳۹۵/۱۱/۱۲) در کنار سایر سطوح فعالیت‌های هسته‌ای، نشان می‌دهد که ایران با وجود برجام، از یک سو تلاش می‌کند ظرفیت پایه برنامه هسته‌ای خود را حفظ و در آینده بازسازی کند و از طرف دیگر، می‌کوشد ابعاد پرستیژی را که محرک اولیه برنامه هسته‌ای بوده، بازتولید نماید. از این منظر، می‌توان انتظارداشت محدود شدن برنامه هسته‌ای ایران در سطح صنعتی، منجر به گسترش سطح تحقیق و توسعه در فضای بعد از برجام شود.

در حوزه امنیتی، حرکت ایران به سمت جبران ابعاد محدودکننده برجام برجستگی بیشتری دارد. در سطح اسناد بالادستی، برای اولین بار در سیاست‌های کلی برنامه توسعه پنج ساله (۱۳۹۶ - ۱۴۰۱)، پیش بینی شد که در پایان برنامه «حداقل ۵ درصد بودجه عمومی کشور برای بنیه دفاعی»

اختصاص پیدا کرده و «توان دفاعی در تراز قدرت منطق‌های» افزایش پیدا کند. (Khamenei.ir: ۱۳۹۴/۴/۹) افزایش بودجه دفاعی کشور به خصوص در روند تصویب بودجه دفاعی ایران بین سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ (همزمان با مذاکرات و سال بعد توافق) به شکلی برجسته دیده می‌شود. در شرایطی که بودجه پنج نهاد اصلی دفاعی ایران در سال ۱۳۹۱، حدود ۲۱۸ هزار میلیارد ریال بوده، این بودجه با افزایشی بیش از ۸۰ درصدی در سال ۱۳۹۶ به ۳۹۵ هزار میلیارد ریال رسیده است. جدول زیر تغییرات بودجه دفاعی را بین سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ نشان می‌دهد.

بودجه پنج نهاد دفاعی ایران (۹۱ - ۱۳۹۶)<sup>۱</sup>

نهاد	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶
ستاد مشترک سپاه	۱۲۸,۴۳۱,۳۴۸	۱۵۵,۶۱۳,۲۱۴	۱۱۰,۷۵۹,۴۴۵	۱۷۴,۳۸۹,۲۷۳	۱۴۶,۲۸۷,۲۹۰	۲۳۳,۴۵۱,۵۶۸
ارتش	۳۲,۲۴۵,۹۴۸	۴۴,۸۵۶,۱۶۴	۵۱,۰۸۵,۵۸۴	۵۳,۱۰۹,۰۶۵	۶۱,۰۴۶,۳۲۵	۷۷,۷۳۷,۵۸۹
بسیج	۶,۱۵۲,۳۵۹	۸,۱۴۲,۷۵۸	۶,۲۷۲,۵۰۰	۸,۸۵۹,۱۳۸	۱۰,۷۰۱,۶۳۸	۱۱,۵۵۰,۵۰۶
ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح	۱,۱۰۲,۹۷۶	۱۵,۰۱۵,۳۹۸	۱۴,۵۷۸,۱۴۸	۱۸,۱۷۰,۴۲۸	۲۰,۵۰۵,۵۶۸	۳۰,۲۱۹,۹۲۳
وزارت دفاع	۵۰,۶۰۶,۳۷۲	۳۹,۸۹۵,۰۷۴	۲۰,۶۴۶,۲۶۶	۳۱,۱۰۵,۹۸۲	۳۱,۱۰۵,۹۸۲	۴۲,۶۶۶,۹۰۴
جمع کل	۲۱۸,۵۳۹,۰۰۳	-	-	-	-	۳۹۵,۶۲۶,۴۹۰

طی سال‌های اخیر مفهوم «تجهیزات نظامی برتر ساز» با محوریت «تحقیق و توسعه» در بالاترین سطوح تصمیم‌گیری وارد ذهن تصمیم‌سازان امنیتی ایران شده است. (نگاه کنید به: کیهان، ۱/۳۱/۹۲: ۸) این مفهوم برای اولین بار با تاکید بر نقش تجهیزات عمده دفاعی «برترساز» وارد سند برنامه ششم توسعه شد. (Khamenei.ir: ۱۳۹۴/۴/۹)

در حوزه دکترین‌های امنیتی - نظامی، فضای بعد از برجام شاهد دگرگونی دکترین امنیتی ایران متناسب با وضعیت جدید بوده است. جدول بالا نشان می‌دهد، بودجه ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح به عنوان عالی‌ترین نهاد نظامی ایران، بین سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ حدود ۳۰ برابر شده، تحولی که نشان دهنده اهمیت روزافزون این ستاد به عنوان مجری اصلی استراتژی نظامی ایران،

۱۱. ارقام بودجه را نگارنده از لوائح بودجه سالانه دولت استخراج کرده است.

است. تغییر رییس ستادکل نیروهای مسلح در ماه‌های بعد از توافق هسته‌ای با تاکید بر «ارتقاء توانمندی‌ها و آمادگی‌های دفاعی امنیتی» و «امکان پاسخگویی به موقع و مؤثر به هر سطح و نوع از تهدیدات» (Khamenei.ir: ۱۳۹۵/۴/۸)، نشان‌داد ایران در حال تعریفی جدید از محیط امنیتی خود متناسب با شرایط جدید بعد از توافق است. در حالی که «دفاع نامتقارن» جزء کلیدی دکترین دفاعی ایران در فضای قبل از توافق بود، به نظر می‌رسد این دکترین در حال ورود به تعریفی گسترده‌تر از محیط عمل امنیتی، فراتر از مرزهای رسمی ایران است. تحول فضای امنیتی خاورمیانه بعد از رویدادهای عربی ۲۰۱۱، محرک گسترش محیط عمل امنیتی ایران بود، ولی تمایل به جبران محدودیت‌های ناشی از برجام نیز عاملی کلیدی در گسترش دامنه عمل ایران است. این جمله علی باقری رییس جدید ستادکل نیروهای مسلح، منعکس کننده تمایل ایران به گسترش محیط عمل امنیتی خود در فضای پس از برجام برای جبران ابعاد محدودیت‌ساز توافق هسته‌ای است: «در حوزه هسته ای تا حدودی پیش رفتیم و توان غنی سازی تا ۹۵ درصد هم داریم البته هیچگاه دنبال بمب اتم نرفتیم و نمی‌رویم. اما همین توان هسته‌ای باعث شد همه قدرت‌های دنیا پای میز بنشینند ... آیا داشتن پایگاه در دور دست کمتر از فناوری هسته‌ای است. من که می‌گویم ده‌ها برابر بیشتر است.» (العالم: ۱۳۹۵/۹/۶)

## ۲. محیط عملیاتی

ایران در فضای بعد از برجام به شکلی ویژه با گسترش حوزه ژئوپلیتیک اقدام‌های امنیتی و توسعه توان موشکی به سمت سیاست‌های جبرانی حرکت کرده است:

### الف) گسترش حوزه ژئوپلیتیک دامنه اقدام

در حوزه ژئوپلیتیک، ایران به سمت نوعی گسترش گرایي ژئوپلیتیکی در دو زمینه دریایی و زمینی با هدف تقویت ظرفیت قدرت افکنی<sup>۱</sup> حرکت کرده است. هر چند گسترش گرایي در این دو حوزه به طور مستقل دنبال شده، ولی شواهد نشان دهنده تاثیر توافق هسته‌ای بر سرعت آن است. در حوزه دریایی، دریادار حبیب الله سیاری برای اولین بار در شهریور ۱۳۹۲، مسیر ورود دریای عمان به اقیانوس هند را «دروازه طلایی» ورود به آب‌های آزاد توصیف و اعلام کرد که ایران قصد دارد حضور خود را در مثلث دریایی «تنگه راهبردی هرمز، مالاکا و باب المندب» گسترش دهد. به گفته سیاری، ایران در این حوزه ضمن «تصمیم‌گیری و پشتیبانی و پیگیری ساخت یگان‌های زیرسطحی و

---

1. Power Projection

سطحی» به دنبال «توسعه روابط با کشورهای حاشیه اقیانوس هند، دریای سرخ، دریای مدیترانه، جنوب شرق آسیا» خواهد بود (مهر: ۹۲ ۶/۱۲) ابراز تمایل ایران برای ایجاد پایگاه در سواحل یمن یا سوریه بر اساس این نگاه که اهمیت «داشتن پایگاه در دور دست کمتر از فناوری هسته‌ای» نیست بلکه «ده‌ها برابر بیشتر است» نشان دهنده اثر محرک توافق هسته‌ای بر گسترش گرایبی ژئوپلیتیکی ایران در حوزه دریایی است. (العالم: ۱۳۹۵/۹/۶)

تحول نیروی دریایی ایران در شمالی جدید آن در سال ۱۳۸۶ از طریق نوسازی ناوگان و تجهیزات دریایی و همچنین گسترش دامنه حضور در آب‌های آزاد آغاز شده ولی در طول زمان، ابعاد استراتژیک نیز پیدا کرده است. در سال ۱۳۸۹، اولین رزمایش دریایی به نام «ولایت ۸۹»، با هدف شبیه سازی تامین امنیت کشتی‌های تجاری و نفت کش ایرانی در منطقه‌ای به وسعت ۲۵۰ هزار کیلومتر مربع در خلیج عدن برگزار شد و طی سال‌های بعد، چندین تحول دیگر در رابطه با مقابله ایران با دزدی دریایی، زمینه گسترش حضور ایران در آب‌های آزاد را فراهم کرد. با این حال، قدرت افکنی دریایی ایران طی ۲ - ۳ سال اخیر، به ویژه پس از توافق هسته‌ای با ۵+۱ به سطحی چشم-گیر رسیده است. در اسفند ماه ۱۳۹۲ هم‌زمان با تشدید بحران در سوریه، دو کشتی ایرانی برای اولین بار بعد از انقلاب، با عبور از کانال سوئز به بندر لاذقیه سوریه گسیل شدند. علی‌سیری در بهمن ماه ۱۳۹۳، نیروی دریایی ایران را «یک نیروی راهبردی» خواند (نسیم آنلاین: ۹۳/۱۱/۱۳) و حضور مستمر در آب‌های آزاد را بسیار مهم و استراتژیک توصیف کرد. در مهر ۱۳۹۵، هم‌زمان با جنگ یمن، دو ناو جنگی ایران به خلیج عدن و باب‌المنندب اعزام شدند و متعاقب آن، در آذر ۱۳۹۵، دو ناوگروه ایرانی برای نخستین بار به اقیانوس اطلس اعزام شدند. (العالم: ۱۳۹۵/۱۱/۹)

تحول قابل توجه، تلاش کم سابقه ایران برای قدرت افکنی دریایی در منطقه خلیج فارس در فضای بعد از توافق هسته‌ای بوده است. در ۲۲ دی ۱۳۹۴، به فاصله کمی قبل از شروع اجرای توافق هسته‌ای، نیروی دریایی سپاه دو قایق جنگی آمریکا با ۱۰ نظامی را به دلیل ورود غیرقانونی به آب‌های سرزمینی ایران دستگیر کرد. هر چند بعد از ۲۴ ساعت، رایزنی‌های دیپلماتیک میان وزرای خارجه و طرف، زمینه آزادی نظامیان آمریکایی را فراهم کرد، ولی این حادثه تعبیر به قدرت نمایی ایران هم‌زمان با اجرای برجام شد. (Steele, Aug 26, 2016)

چند رویارویی دیگر بین نیروی دریایی ایران و آمریکا در خلیج فارس طی ماه‌های بعدی اتفاق افتاد، از جمله اینکه قایق‌های تندرو ایران در آذر و دی ماه ۱۳۹۴ در فواصل زمانی مختلف به ناوگان نظامی آمریکا در خلیج فارس نزدیک شدند. پنتاگون تعداد رویارویی ناامن بین شناورهای آمریکایی و



ایرانی در شش ماه اول ۲۰۱۶ را ۳۱ مورد اعلام کرد، در حالی که در کل ۲۰۱۵، این نوع رویارویی‌ها تنها ۱۰ مورد بوده است. (Ali: Sep 7, 2016)

در برآیند کلی، به نظرمی‌رسد ایران در فضای بعد از توافق، همزمان با تلاش برای گسترش دامنه عمل در دریا، کوشیده توانایی سنتی نظامی نامتقارون خود را نیز افزایش دهد. برآورد مرکز مطالعات علمی و استراتژیک آمریکا (CSIS)<sup>۱</sup> این است که هر چند اقدامات دریایی نامتقارن ایران همواره برای آمریکا و شرکای آن در خلیج فارس (فارس) آزاردهنده بوده، اکنون در شرایطی که آمریکا و دیگر اعضای ۵+۱ در حال تحکیم برنامه جامع اقدام مشترک برای فرونشاندن برنامه هسته‌ای ایران هستند، اقدامات تحریک کننده دریایی ایران چالشی جدید برای آمریکا به وجود می‌آورد. Dalton: (May 2016)

برخی محققین سیاست خارجی، رفتار امنیتی ایران در خلیج فارس را نشان دهنده ابراز نارضایتی از نحوه اجرای توافق هسته‌ای از طرف آمریکا تعبیر کرده‌اند (Lockie: Sep. 6, 2015)، ولی به نظر می‌رسد قدرت افکنی دریایی ایران در خلیج فارس متغیری مستقل و بخشی از یک استراتژی کلی‌تر برای توسعه ناوگان و گسترش حضور دریایی ایران بعد از ۱۳۸۶ است. شواهد و قراین نشان می‌دهد ایران بعد از توافق هسته‌ای، قدرت افکنی دریایی خود را به عنوان یکی از عوامل متوازن کننده محدودیت‌های برجام تلقی کرده است. سخنان علی باقری رییس ستادکل نیروهای مسلح که گفته پایگاه دریایی «در دور دست کمتر از فناوری هسته‌ای نیست» نشانهای جدی از چنین برآوردی در ذهن تصمیم گیرندگان امنیتی است. علاوه بر این، به نظر می‌رسد توسعه قدرت افکنی دریایی ایران بر اساس برآوردی گسترده‌تر از آینده تعهدات امنیتی آمریکا در خلیج فارس صورت گرفته است. چارلز گلر در مقاله‌ای به صراحت از لزوم بازنگری در سیاست آمریکا در خلیج فارس در دوره تغییرات بزرگ در بازارهای نفت و موازنه قدرت در خاومیانه سخن گفته است. (Glaser, August 23, 2016) دیگران گفته‌اند که شرایط کنونی ایجاب می‌کند رئیس جمهور آمریکا منکر دکترین کارتر شده و حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس را کاهش دهد. (Cohen: Jul 7, 2016) آمریکا در سال ۲۰۱۲ استراتژی چرخش شرقی<sup>۲</sup> را اعلام کرد که بخشی از آن به کاهش تعهدات امنیتی در خاورمیانه و خلیج فارس مربوط می‌شد. (ایراییوریکا: ۹۵/۴/۱۴) در چنین فضایی، ایران تلاش کرده نقش خود را در شکل دهی به محیط امنیتی خلیج فارس افزایش دهد.

موازی با قدرت افکنی دریایی، ایران طی سه سال اخیر به سمت گسترش دامنه عمل امنیتی در

1. Center for Strategic and International Studies  
2. Us Pivot to East

خارج از مرزهای رسمی خود حرکت کرده است. جمهوری اسلامی به شکل سنتی از برخی جنبش‌های اسلامی در خارج از خاورمیانه حمایت کرده، ولی بحران سال ۲۰۱۱ سوریه و تا میزانی تحولات عراق و جنگ یمن، نه تنها دامنه اقدام امنیتی ایران در خارج از مرزها را گسترش داد، بلکه ماهیت آن را نیز دگرگون کرد. فرض غالب محققین سیاست خارجی این است که توافق هسته‌ای تابستان ۲۰۱۵ با کاهش تحریم‌های اقتصادی، مسیر گسترش کمک‌های ایران به دولت سوریه را هموار کرده است. این فرض تا حد زیادی درست به نظر می‌رسد، ولی ماه‌های منتهی به توافق هسته‌ای و بعد آن، نشان می‌دهد تصمیم‌سازان امنیتی در تهران، گسترش حضور امنیتی در سوریه را به عنوان عامل متوازن کننده محدودیت‌های ناشی توافق هسته‌ای نگریده‌اند. حسن روحانی رییس جمهور در تیر ۱۳۹۴ اعلام کرد که توافق برجام می‌تواند الگویی برای مشکلات دیگر منطقه باشد (پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری: ۹۴/۸/۱۱)، موضعی که تیم سیاست خارجی روحانی از جمله محمد جواد ظریف وزیر خارجه، آن را به صراحت درباره سوریه مطرح کرد (یورو نیور فارسی: ۲۰۱۶/۱۲/۰۸) با این حال، رهبری انقلاب با این رویکرد موافقت نکرد. (Khamenei.ir: ۱۳۹۵/۵/۱۱) گزارش‌های غیر رسمی نشان می‌دهد در ماه‌های منتهی به توافق موقت ژنو در نوامبر ۲۰۱۴، جمهوری اسلامی حضور امنیتی خود را در سوریه تقویت کرده است. (Reuters: 21, Feb 2014) این روند تقریباً همزمان با مذاکرات منتهی به برجام و پس از آن، روندی بی‌سابقه پیدا کرد. منابع غیر رسمی دو مرتبه، یک بار در مرداد ۱۳۹۵ حدود یک ماه بعد از توافق هسته‌ای و بار دیگر در فروردین ۱۳۹۵ از سفر قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس ایران به مسکو و ملاقات او با مقام‌های روس از جمله ولادیمیر پوتین رییس جمهور خبر دادند، سفرهایی که گفته شده دو طرف هماهنگی‌های اولیه برای یک طرح عملیاتی مشترک در سوریه را تدارک دیده‌اند. (Oct, 2015 Reuters:6) مجموع این تحولات در شهریور ۱۳۹۵، منجر به ورود نظامی مستقیم روسیه در بحران سوریه شد.

برخی گفته‌اند طرح اولیه ورود نظامی روسیه به سوریه را ایران ارایه کرده ولی دیگران، رفتار امنیتی روسیه‌ی پوتین را متغیری مستقل تعبیر می‌کنند. واقعیت هر چه باشد، ایران پس از انقلاب اولین حضور نظامی چند جانبه در فراتر از مرزهای خود را در فضای بعد از توافق هسته‌ای تجربه کرد. ورود نظامی در بحران سوریه نه تنها بعد از تجربه ۸ سال جنگ ایران و عراق بی‌سابقه است، بلکه از نظر دامنه همکاری با دولت روسیه نیز، بعد انقلاب بی‌سابقه است. این روند در ماه‌های بعد، تبدیل به ائتلافی غیراعلانی میان ایران، روسیه، عراق، سوریه و حزب الله شد که برخی نام «ائتلاف ۴+۱» بر آن گذاشتند (ایرنا: ۹۵/۶/۳۱) در مرداد ماه ۱۳۹۵، بمب افکن‌های روسیه از پایگاه هوایی

شهید نوژه برای حمله به اهداف تروریستی در سوریه استفاده کردند. (فارس: ۹۵/۵/۲۷) شیوه ورود نظامی به بحران سوریه و همچنین عراق، نشان دهنده تحولی جدی در نگاه امنیتی ایران و تغییر قواعد رفتارهای امنیتی ایران<sup>۱</sup> در چارچوب دکترین دفاع پیش‌دستانه<sup>۲</sup> است. رهبری انقلاب در ملاقات با خانواده شهدای مدافع حرم گفتند: «اینها رفتند با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی‌کردند این دشمن می‌آمد داخل کشور ... اگر جلویش گرفته نمی‌شد ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استان‌ها با اینها می‌جنگیدیم ...» (Khamenei.ir: ۱۳۹۴/۵/۱۱)

اعلام موضع احمدرضا پوردستان فرمانده نیروی زمینی ارتش که گفته بر اساس مصوبه ستادکل نیروهای مسلح، ایران فاصله ۴۰ کیلومتری مرزها را خط قرمز اقدام علیه داعش می‌داند (آفتاب نیوز: ۱۳۹۵/۲/۲۲) نشان می‌دهد که ایران در سطوح عملیاتی هم به سمت دفاع پیشگیرانه حرکت کرده است. این تحول، در فضای بعد از برجام اتفاق افتاده و بخشی از نگاه جدید ایران به محیط امنیتی پیرامون است.

در برآیند کلی، همانگونه که انصاری و تبریزی نوشته‌اند: «مسلم‌نرمش قهرمانانه ایران در قبال توانایی‌های هسته‌ای خود به خصوص از سال ۲۰۱۳ به بعد، با سخت جانی ایدئولوژیک گسترده ایران در سیاست‌های منطق‌های و حمایت از سوریه به عنوان نشانه التزام انقلابی گسترده‌تر و استراتژیک، جبران شد.» (Ansari, Bassiri Tabrizi: Aug, 2016: 3) سیاست جبرانی ایران در سوریه، نکته‌ای است که دیگران نیز به آن توجه کرده‌اند. سرگئی الکساشنکو در بروکینگز می‌نویسد: «ایران برای جبران قوای نظامی ضعیف خود، منابع مالی قابل ملاحظه‌ای برای پیگیری اهداف خود در سوریه صرف کرد و با امضای توافق هسته‌ای تاریخی با غرب، تلاش خواهد کرد موقعیت خود را در سوریه تقویت کند.» (Aleksashenko, October 16, 2015)

### ب) تقویت توان موشکی

برنامه موشکی ایران در جریان جنگ هشت ساله با عراق به عنوان عامل بازدارنده مقابل حملات عراق به شهرها (جنگ شهرها) شکل گرفت. علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس وقت با این نگاه که برای «ایران موشک‌های بالستیک یک هنر بازدارنده هستند» که با داشتن آنها در وضعیتی قرارمی‌گیرد که حتی «فکر حمله با موشک به فکر همسایگان ما خطور نکنند» در سال ۱۹۸۵ به

---

1. Rules of Engagement  
2. Preemptive Defense

لیبی، سوریه، کره شمالی و چین سفر کرد، سفری که نتیجه آن دستیابی ایران به موشک‌های اسکاد از لیبی، کره شمالی و متعاقب آن دستیابی به دانش ابتدایی و قطعات این موشک‌ها از کره شمالی و چین شد. (Iran Watch, May 1, 2012) گفته می‌شود حمله موشکی عراق دوره صدام به اسرائیل در سال‌های ۹۱ - ۱۹۹۰، برای اولین بار تصویری اجمالی از ظرفیت موشک‌های بالستیک کشورهای در حال توسعه به وجود آورده است. (طارمی، بهار ۱۳۸۵: ۸۲) به مرور زمان، برنامه موشکی به دلایلی مانند برد، شتاب، قدرت تخریب، عدم امکان دفاع موثر، قابلیت حمل کلاهک‌های نامتعارف، صرفه اقتصادی و از همه مهم‌تر، نبود ظرفیت‌های لازم برای توسعه سریع نیروی هوایی، به عنصری کلیدی در استراتژی بازدارندگی ایران تبدیل شد. (قوام ملکی، بهار ۹۰: ۹۸ - ۱۰۷)

در غرب، تصور بر این است که برنامه هسته‌ای مکمل برنامه موشکی ایران است و به همین دلیل از اوایل دهه ۱۹۹۰ که ایران روند توسعه برنامه موشکی خود را شروع کرد، آمریکا با حساسیت آن را زیر نظر گرفت. اولین تحریم‌های آمریکا علیه برنامه موشکی ایران در سال ۱۹۹۲ در چارچوبی یک جانبه شکل گرفته است و در سال ۱۹۹۶ وزارت خارجه آمریکا، کره شمالی را هم به دلیل همکاری موشکی با ایران تحریم کرد. (Iran Watch, July 13, 2016)، آزمایش موشک شهاب - ۳ با برد ۱۳۰۰ کیلومتر در سال ۱۹۹۸، از این جهت که برای اولین بار اسرائیل را در مدار موشک‌های ایران قرار می‌داد، یک نقطه عطفی است، تحولی که باعث شد متعاقب آن، وزارت خارجه آمریکا چند شرکت روس را نیز به دلیل همکاری با ایران، وارد فهرست تحریم‌ها کند. (Iran Watch, July 13, 2016) نمایش موشک‌های شهاب - ۳ و چند موشکی هوا به هوای ضد کشتی در آزمایش سپتامبر ۱۹۹۸، عنصر جدیدی به توان بازدارندگی ایران اضافه کرد. از آن زمان به بعد، آمریکا تحریم‌های یکجانبه جدیدی را مقابل برنامه موشکی ایران و همچنین مقابله با همکاری سایر کشورها با این برنامه اعمال کرده تا اینکه در دسامبر ۲۰۰۶، با صدور قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت، برنامه موشکی ایران در کنار برنامه هسته‌ای در دستور کار بین‌المللی قرار گرفت. هر چند برای بی‌اثر کردن توان موشکی ایران، طی ۱۵ سال توسعه سیستم‌های ضد موشک مانند گنبد آهنین و آرو<sup>۱</sup> و همچنین ترتیبات دفاع موشکی چندجانبه مانند تاد<sup>۲</sup> در دستور کار آمریکا و متحدین منطق‌های قرار گرفته، ولی ایران استراتژی موشکی خود را بر اساس این پیش‌فرض ساماندهی کرده است که هیچ «سامانه دفاع موشکی وجود ندارد که قادر به مهار شلیک انبوه موشک‌ها باشد» (موسوی، زمستان ۵۰: ۹۲) بر همین اساس، ایران از اوایل دهه اول هزار جدید میلادی به سمت ساخت نسل جدیدی از

1 .Arrow

2 . Terminal High Altitude Area Defense

موشک‌های با برد کوتاه و امکان استفاده وسیع در جنگ‌های منطق‌های حرکت کرد. محققان نظامی معتقدند در حالی که هدف نسل اول موشک‌های ایران، ایجاد بازدارندگی بوده، هدف جدید ایران طی دهه اول هزار جدید، تولید انبوه موشک‌های کوتاه برد تا ۲۰۰ کیلومتر با کاربرد زیاد بوده است، موشک‌هایی که نه لزوماً با هدف بازدارندگی، بلکه با قابلیت استفاده وسیع در میدان نبرد به طراحی شدند. (گزارش شورای آتلانتیک، ۱۳۹۵/۷/۱۲)

تجربه جنگ سال ۲۰۰۶ اسرائیل با لبنان که حزب الله طی ۳۳ روز بیش از ۴ هزار موشک به اسرائیل شلیک کرد (GlobalSecurity) و متعاقب آن تجربه جنگ سال ۲۰۰۹ غزه و اخیراً شلیک موشک‌های انصارالله به سمت اهداف عربستان، ابعاد علم‌یاتی این نسل از موشک‌ها را نشان داد و بر همین اساس بود که توسعه «کیفی و کمی افزایش قدرتی و پایداری عملیاتی یگان‌های موشکی» برای اولین بار در سال ۱۳۹۰، وارد برنامه پنجم توسعه کشور شد.

هرچند برنامه موشکی مستقلاً به عنوان مولفه کلیدی توان نظامی و قدرت بازدارندگی ایران توسعه پیدا کرده، ولی رفتار بعد از برجام نشان می‌دهد ایران برنامه موشکی را به عنوان کلیدی‌ترین مولفه جبرانی محدودیت‌های ناشی از توافق توسعه داده است. بعد از برجام، قطعنامه ۲۲۳۱ برای برنامه موشکی ایران محدودیت‌هایی در نظر گرفت ولی ایران با صدور بیانیه‌ای برنامه موشکی خود را «خارج از حیطه یا صلاحیت قطعنامه شورای امنیت» اعلام کرد. (جام جم‌آنلاین، ۱۳۹۴/۴/۲۹). دو هفته قبل از توافق هسته‌ای، سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه از طرف رهبری انقلاب ابلاغ شد که در آن، «توسعه توان موشکی و فناوری‌ها و ظرفیت تولید سلاح‌ها و تجهیزات عمده دفاعی برترساز با توان بازدارندگی و متناسب با انواع تهدیدات» مورد تأکید قرار گرفته است. (Khamenei.ir: ۱۳۹۴/۴/۹). این در حالی است که برنامه موشکی در سیاست‌های کلی برنامه پنجم، تحت عنوان کلی «ارتقاء توانمندی‌های دفاعی و قدرت بازدارندگی»، بدون اشاره خاص مورد توجه قرار گرفته بود. (Khamenei.ir: ۲۱/۱۰/۱۳۸۷) متعاقب آن، مجلس در اردیبهشت ۱۳۹۵، در مصوبه‌ای، «ارتقای توان بازدارندگی از طریق توسعه و افزایش توان تولیدی موشکی» را در برنامه‌های توسعه کشور دایمی کرد. (فارس، ۱۳۹۵/۲/۱۲)

در سطح عملیاتی، به فاصله کوتاهی بعد از برجام، ایران زنجیره‌ای از اقدامات را برای توسعه و ابراز توان موشکی انجام داد که بخشی از این اقدامات به ابعاد جبران‌کننده روانی مرتبط است و بخشی دیگر به ابعاد واقعی تلقی ایران از برنامه موشکی خود مربوط می‌شود. در مرداد ۱۳۹۵ تقریباً همزمان با بررسی برجام در مجلس، موشک فاتح - ۳۱۳ با سوخت جامد و برد ۵۰۰ کیلومتر آزمایش

شد، موشکی که گفته شده تفاوت آن با نسل قبلی موشک‌های ایران، کاهش خطای آن به زیر ۱۰ متر است. (مرکز اسناد، ۱۳۹۵/۸/۴) در مهر ۱۳۹۴، موشک میان برد عماد با برد ۱۷۰۰ کیلومتر آزمایش و صحنه‌های پرتاب آن بارها از تلویزیون ایران پخش شد. بعد از آزمایش شهاب - ۳ در سال ۱۹۹۸ که اولین بار اسرائیل در مدار موشکی ایران قرار گرفت، آزمایش عماد با قابلیت هدایت و کنترل تا لحظه اصابت و خطای کمتر از ۵۰۰ متر و قابلیت تغییر مسیر بعد از پرتاب، نقطه عطف جدیدی در برنامه موشکی ایران بود و برخی آن را جهشی بزرگ می‌دانند. (Saghafi-Ameri, Jan, 2016)

این دو موشک، نشان دهنده جهت گیری برنامه موشکی ایران به سمت افزایش دقت موشک‌های کوتاه و میان برد بود. چند روز بعد از آزمایش موشک عماد، نیروی هوافضای سپاه در مهر ۱۳۹۵ برای اولین بار فیلم‌هایی از یک شهر موشکی در عمق ۵۰۰ متری زمین منتشر کرد، شهری که نمونه‌های مشابه آن «در همه استان‌ها و شهرها» مستقر شده است. (عصر ایران، ۱۳۹۵/۱۲/۱۹) بازدید علی لاریجانی از دومین شهر موشکی سپاه در دی ماه ۱۳۹۴ که همزمان با آن تصاویر موشک‌های مختلف از جمله بالستیک عماد از تلویزیون ایران پخش شد (تسنیم: ۱۳۹۵/۱۰/۱۵)، نشان داد که ایران به شکل معناداری به دنبال توسعه برنامه موشکی و نمایش عامدانه توان آن با هدف جبران ابعاد محدود کننده برجام است، موضوعی که سخنان حسن فیروزآبادی، رئیس وقت ستاد کل نیروهای مسلح در گفت و گو با خبرگزاری تسنیم نیز آن را تایید می‌کند. فیروزآبادی می‌گوید که زمانبندی شلیک موشک عماد پس از توافق برجام، مصوبه رهبری بود: «شلیک موشک بدون اجازه مستقیم فرمانده کل قوا امکان ندارد اما قبل از آن کمیسیون‌های فنی و سیاستگذاری مقدمات را فراهم می‌کنند، بررسی می‌کند که این موشک واقعاً از نظر فنی درست ساخته شده و آیا جواب می‌دهد؟ از لحاظ سیاسی وقت مناسبی است یا خیر؟ اقتضائات انقلاب اسلامی را دارد؟» به گفته فیروزآبادی «حتی اینکه در چه زمانی شلیک شود را نیز ایشان تعیین می‌کنند.» (روز آنلاین، ۱۳۹۵/۸/۲۳)

در جمع بندی کلی، به نظرمی‌رسد برنامه موشکی که با هدف اولیه بازدارندگی شکل گرفت، طی ۱۵ سال اخیر با توسعه موشک‌های کوتاه برد، به سمت اهداف عملیاتی‌تر منطقه‌ای برای گسترش توان قدرت افکنی گام برداشته است. هرچند برنامه موشکی مستقلاً به عنوان مولفه کلیدی توان نظامی و قدرت بازدارندگی توسعه پیدا کرده، ولی بررسی رفتار امنیتی ایران بعد از برجام نشان می‌دهد جمهوری اسلامی این برنامه را به عنوان کلیدی‌ترین مولفه جبرانی محدودیت‌های ناشی از برجام

توسعه داده است. در کنار گسترش توانایی موشکی، ایران کوشیده مطابق با آنچه در برنامه ششم توسعه «تجهیزات عمده دفاعی برترساز» خوانده شده، چنین تجهیزاتی را در فضای بعد از برجام از شرکای خارجی خود دریافت کند. در بهمن ۱۳۹۴، یک قرار داد تسلیحاتی بین وزرای دفاع ایران و روسیه امضا شد که در کنار اقلام مختلف دفاعی، فروش چندین فروند جنگنده چندمنظوره فلانکر Su-30SME نیز در آن پیش بینی شده است. گفته می‌شود این قرار داد، بزرگ‌ترین خرید تسلیحاتی ایران بعد از انقلاب است. همچنین روسیه بعد از ۸ سال، قرارداد پر مناقشه فروش سامانه ضد موشک اس - ۳۰۰ به ایران را در تیر ۱۳۹۵ اجرایی کرد (تسنیم، ۱۳۹۵/۵/۲۸)، سامانه‌ای که به شکل قابل ملاحظه‌ای توان پدافندی ایران را ارتقا می‌دهد.

### نتیجه گیری

مقاله به دنبال بررسی این بود که آیا توافق هسته‌ای، تغییری در رفتار سیاست خارجی و فراتر از آن، رویکردهای سیاست خارجی ایران به وجود آورده است؟ بر اساس توافق تابستان ۱۳۹۴، بخش‌های قابل توجهی از برنامه هسته‌ای ایران برای میان مدت متوقف شده، ولی شواهد و قراین تاییدی کنند نه تنها رویکرد سیاست خارجی ایران در دو زمینه فراگیر هویتی و امنیتی تغییرات کلیدی نکرده، بلکه رفتارهای سیاست خارجی آن نیز به طرز بنیادینی دگرگون نشده است. توقف بخش‌هایی از برنامه هسته‌ای، ایران را به سمت سیاست‌های جبرانی در دو حوزه هویتی و امنیتی سوق داده است. مهم‌ترین نتیجه مقاله این است که تغییر هویت هسته‌ای طی دو دهه گذشته و تلفیق آن با مسایل امنیتی که به «گره هویت - امنیت» تعبیر شد، به وضعیتی جدید منجر شده که به سختی می‌توان پیش بینی کرد برنامه هسته‌ای ایران متوقف شود. به همین دلیل، جمهوری اسلامی در وضعیتی که با گزینه محدود شدن برنامه هسته‌ای خود روبرو شده، به سمت جبران این محدودیت در دو زمینه امنیتی و هویتی حرکت کرده است. در زمینه هویتی، بعد از توافق هسته‌ای، موازی با تاکید بر مسایلی مانند «پیشرفت» «علم»، «فناوری»، «جوانان»، «خودباوری»، «استقلال علمی»، شاهد ادامه اصرار بر تداوم تحقیق و توسعه هسته‌ای هستیم. در حوزه امنیتی، قراین درباره حرکت به سمت سیاست‌های جبرانی برجستگی بیشتری دارد. از تصمیم برای افزایش قابل توجه بودجه دفاعی تا گسترش دامنه ژئوپلیتیک اقدام‌های امنیتی و سرعت گرفتن برنامه موشکی، همگی نشان دهنده حرکت به سمت سیاست‌های جبرانی است.

این مقاله دو نتیجه فرعی مهم نیز دارد:

۱. برنامه هسته‌ای، برای اولین بار ایران را به سمت گسترش بی‌سابقه دامنه نگاه امنیتی سوق داد. در بازتعریف مداوم از هویت هسته‌ای در تعامل با بازیگران بیرونی، ایران در معرض مفاهیمی مانند دفاع پیشگیرانه، بازدارندگی هسته‌ای، گریز هسته‌ای و در نظر گرفتن مفاهیمی مانند پدافند غیرعامل به شکلی جدید قرار گرفت، موضوعاتی که در سنت امنیتی آن بی‌سابقه است. به نظر می‌رسد اولین حضور نظامی چندجانبه ایران بعد از انقلاب در فراتر از مرزهای رسمی، اجازه پرواز جنگنده‌های روس از پایگاه شهید نوژه و بزرگ‌ترین قرارداد تسلیحاتی بعد از انقلاب با مسکو، همگی تحت‌تأثیر گسترش برنامه هسته نگاه امنیتی ایران اتفاق افتاده است. برنامه هسته‌ای و حساسیت‌های شکل گرفته پیرامون آن، تأثیر غیرقابل‌انکاری در ورود ایران به بازی‌های امنیتی بزرگی داشته که شاید بدون برنامه هسته‌ای، بی‌معنی می‌نمود.

۲. گره خوردن امنیت با مسایل هویتی، وضعیتی خاص برای برنامه هسته‌ای ایران پدیدآورده که بازگشت آن را گریزناپذیر کرده است. ممکن است بعد از برجام، سطح مناقشه حول ایران هسته‌ای به شکل ملموسی کمتر از گذشته باشد ولی احتمالاً، بدون دگرگونی بنیادین فضای بین‌المللی در اثر تغییرات یکباره یا فرسایشی زمانبر و یا دگرگونی فضای سیاسی ایران، نمی‌توان شاهد تغییرات پارادایمی حول برنامه هسته‌ای ایران بود، ضمن اینکه تغییر فضای سیاسی ایران، صرفاً برنامه هسته‌ای را دچار تاخیر می‌کند

## منابع و مأخذ

### الف) فارسی

- ۱) طارمی، کامران (بهار ۱۳۸۲)، *تحلیلی بر نقش موشک‌های بالستیک در دکترین دفاعی ایران*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۹.
- ۲) قوام‌ملکی، حمیدرضا (بهار ۱۳۹۰) *نقش موشک‌ها در راهبرد بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه برنامه سیاست‌گذاری، سال دوم، شماره ۳.
- ۳) مرتضویان، سیدعلی، عبدالحانی، لنا و حطه، مصطفی (۱۳۹۲)، *گفتمان هویتی از منظر سازه‌انگاری در گفتگوهای هسته‌ای ایران و نظام بین‌الملل*، بهار، شماره ۲۱.
- ۴) موسوی، سیدمسعود (زمستان ۱۳۹۲)، *آموزه‌های نظامی دفاع مقدس و راهبرد نوین جمهوری اسلامی ایران*، پژوهشنامه دفاع مقدس، سال دوم، شماره ۸.



۵) آفتاب نیوز (۱۳۹۵/۲/۲۲)، "فرمانده نیروی زمینی ارتش: ۴۰ کیلومتری مرز ایران، خط قرمز داعش". تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۲۸

۶) العالم (۱۳۹۵/۱۱/۹)، "بزرگترین رزمایش دریایی ایران در شمال اقیانوس هند". تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۲۵

۷) (Khamenei.ir) پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ نشر و آثار حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، (۱۳۹۲/۶/۲۶)، "ترمش قهرمانانه، بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی". تاریخ بازدید:

۸) (Khamenei.ir)، (۱۳۸۲/۱/۱)، "بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی". تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۲۵

۹) (Khamenei.ir) (۱۳۸۵/۱/۱)، "بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی". تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۲۵

۱۰) (Khamenei.ir) (۱۳۹۵/۳/۲۹)، "بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاهها". تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۲۵

۱۱) (Khamenei.ir) (۱۳۸۲/۹/۱۳)، "سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴"، تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۲۴

۱۲) (Khamenei.ir)، (۱۳۹۵/۷/۲۸)، "فی‌ش‌های هسته‌ای بهانه است". تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۲۸

۱۳) (Khamenei.ir) (۱۳۸۳/۴/۱)، "بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی"، تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۲۰

۱۴) (Khamenei.ir) (۱۳۸۷/۱۰/۲۱)، "ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه". تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۱۵

۱۵) (Khamenei.ir) (۱۳۹۴/۱/۲۰)، "بیانات در دیدار مداحان اهل بیت (علیهم‌السلام)". تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۱۵

۱۶) (Khamenei.ir) (۱۳۸۹/۶/۱۶)، "بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور"، تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۱۵

۱۷) (Khamenei.ir) (۱۳۸۴۸/۱۱/۱۸)، "بیانات در دیدار پرسنل نیروی هوایی"، تاریخ

بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۱۱

(۱۸) (Khamenei.ir) (۵/۱۱/۱۳۹۴)، "بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع

حرم"، تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۱۰

(۱۹) (Khamenei.ir) (۱۳۹۴/۴/۹)، "ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه"، تاریخ

بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۱۱

(۲۰) (Khamenei.ir) (۱۳۹۴/۴/۲۰)، "بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان"، تاریخ

بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۱۱

(۲۱) (Khamenei.ir) (۱۳۹۴/۴/۲)، "مهمترین خطوط قرمز مذاکرات هسته‌ای"، بیانات رهبر معظم

انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان نظام"، تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۲

(۲۲) (Khamenei.ir) (۱۳۹۵/۸/۴)، "انتصاب سرلشکر محمدحسین باقری به ریاست ستاد کل

نیروهای مسلح"، تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۱۲

(۲۳) پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری (Leader.ir) (۱۳۹۵/۵/۱۱)، "تحریم‌ها باید یکباره

برداشته می‌شود؛ چرا اکنون بحث رفع تدریجی می‌شود"، تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۱۲

(۲۴) پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری (۱۳۹۴/۸/۱۱)، "روحانی: برجام پیروزی عظیم سیاسی

ملت ایران و الگویی جهانی برای حل مشکلات است"، تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۲۸

(۲۵) تابناک (۱۳۹۳/۷/۲۵)، "ناگفته‌های مخالفت امام خمینی از ساخت سلاح شیمیایی و هسته‌ای"،

تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۲۷

(۲۶) جام جم آنلاین (۱۳۹۴/۴/۲۹)، "بیانیته ایران پس از تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت در

تایید برجام"، تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۲۰

(۲۷) تسنیم (۱۳۹۴/۱۰/۱۵)، "دومی‌ن شهر موشکی سپاه رونمایی شد"، تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۲۷

(۲۸) تسنیم (۱۳۹۵/۵/۲۸)، "اولی‌ن محموله از موشک‌های اس ۳۰۰ وارد ایران شد"، تاریخ بازدید:

۱۳۹۵/۱۲/۲۷

(۲۹) تسنیم (۱۳۹۲/۸/۷)، "تاریخ نگاری نیروگاه هسته‌ای بوشهر (بخش اول)"، تاریخ بازدید:

۱۳۹۵/۱۲/۲۷

(۳۰) تسنیم (۱۳۹۴/۱۰/۳۰)، "صالحی: هیچ اعتمادی به کشورهای غربی نداریم"، تاریخ بازدید:

۱۳۹۵/۱۲/۲۷

- ۳۱) ایرنا (۱۳۹۴/۶/۳۱)، "اتلاف ۱+۴ برای روی‌آرویی با تروریسم"، تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۲۰
- ۳۲) فارس (۱۳۹۵/۲/۲۲)، "تهدیدات پس از برجام جدی‌تر شده (است)"، تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۲۰
- ۳۳) فارس (۱۳۹۱/۶/۷)، "بازخوانی فتوای تاریخی رهبر معظم انقلاب"، تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۱۲
- ۳۴) فارس (۱۳۹۲/۹/۹)، "حنسی سازی ۲۰ درصد مرهون شهیدشهری‌اری است"، تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۱۲
- ۳۵) فارس (۱۳۹۵/۲/۱۲)، "توان تولیدی موشکی کشور توسعه و افزایش می‌یابد"، تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۱۳
- ۳۶) فارس (۱۳۹۵/۵/۲۷)، "جنجال «بک فایر» ها در خاک ایران/ گداهای مهمی که ایران و روسیه رد و بدل می‌کنند"، تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۲۷
- ۳۷) مهر (۱۳۹۲/۶/۱۲)، "ایران ستون اصلی برقراری امنیت در تنگه هرمز، مالاگا و باب‌المنندب است"، تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۲۷
- ۳۸) میزان (۱۳۹۵/۱۰/۲۵)، "پی‌شنهاد ۱۰ برابری مجلس برای افزایش بودجه پی‌شنهادی دولت برای سازمان انرژی اتمی". تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۲۷
- ۳۹) میزان (۱۳۹۵/۱۱/۱۲)، "افزایش ۲۰ درصدی بودجه سازمان انرژی اتمی". تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۲۷
- ۴۰) فارس (۱۳۹۴/۴/۲۴)، "اوباما: تحریم‌ها بود که ایران را به میز مذاکره آورد". تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۲۸
- ۴۱) میزان (۱۳۹۵/۱۱/۱)، "بی‌انیه سازمان انرژی اتمی ایران در ارتباط با سانتریفیوژ نسل جدید IR-8". تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۱/۲۲
- ۴۲) کیهان (۱۳۹۲/۲/۳)، گفت و گوی سید مسعودرضا زواره‌ای مسئول تحقیقات و جهاد خودکفایی نزاچا، صفحه ۸
- ۴۳) روزآنلاین (۱۳۹۵/۸/۲۳)، "فیروزآبادی: زمان شلیک موشک عماد پس از توافق برجام مصوبه آیت‌الله خامنه‌ای بود". تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۲۷
- ۴۴) شبکه خبر (۱۳۹۵/۱۱/۲۸)، "سلاح ی هیج جای‌گاهی در دکترین نظامی ایران نداشته و ندارد".

تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۲۷

(۴۵) العالم (۱۳۹۵/۹/۶)، امکان ای‌جاد پای‌گه دری‌ای‌ی ایران در سوریه و ی‌من، تاریخ بازدید:

۱۳۹۵/۱۲/۲۷

(۴۶) عبدالرحمن علوی (۱۳۵۸/۳/۲۶)، تیروگاه‌های هسته‌ای، خیانتی آشکار به خلق ایران، روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۱۴، سال اول.

(۴۷) عصرایران (۱۳۹۵/۱۲/۱۹)، "سپاه: بمب اتم هم بر شهرهای موشکی اثر ندارد". تاریخ بازدید:

۱۳۹۵/۱۲/۲۷

(۴۸) فرارو (۱۳۹۵/۷/۱۲)، گزارش شورای آتلانتیک: توان موشکی ایران از نگاه امریکایی. تاریخ

بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۲۸

(۴۹) مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۹۵/۸/۴)، "بررسی عملکرد موشک فاتح ۱۱۰ و ۳۱۳". تاریخ

بازدید:

(۵۰) موسسه ایرانی مطالعات امریکا و اروپا (ایراییوریکا) (۱۳۹۵/۴/۱۴)، امریکا: سیاست چرخش به

شرق آسیا و تائیدی آن بر خاورمیانه. تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۲۲

(۵۱) نسیم آنلاین (۱۳۹۳/۱۱/۱۳)، "دری‌ادار سی‌اری: حضور مستمر در آب‌های آزاد برای نی‌روی

دری‌ای‌ی اهمی‌تی استراتژی‌ک دارد". تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۲۳

(۵۲) وزارت امور خارجه (واخ) (۱۳۹۴)، "برنامه جامع اقدام مشترک بین جمهوری اسلامی ایران و

کشورهای گروه ۵+۱". تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۲۸

(۵۳) یورونیور فارسی (۲۰۱۶/۱۲/۰۸)، "ظریف: می‌توان از روش دستی‌ابی به برجام برای حل بحران

سوریه استفاده کرد". تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۲/۲۸

(۵۴) یوسفی، مجید (۱۳۹۵/۱۲/۲)، "شاه گفت بمب اتمی نمی‌خواهم مگر ... نگاهی به کتاب خاطرات

اکبر اعتماد"، تاریخ ایرانی. تاریخ بازدید: ۱۳۹۵/۱۱/۱۱

(ب) انگلیسی

1) Brophy, Desmond (2011), *Iranian Nuclear Weapons and the Instability-Stability in Instability Paradox: A (Prospective) Case Study of the Iran-Israel Dyad*, Canada: Canadian Forces College.

2) Reardon, Robert J. (2012), "Containing Iran: Strategies for Addressing the

*Iranian Nuclear Challenge*”, Santa Monica: RAND Corporation.

- 3) --Schmidt, Oliver (01. September 2008),” *Understanding & Analyzing Iran’s Nuclear Intentions: Testing Scott Sagan’s Argument of “Why do States build Nuclear Weapons”*”, Lancaster University (Dissertation).
- 4) Ansari, Ali and Bassiri Tabrizi, Aniseh (Aug. 2016), “*Understanding Iran’s Role in the Syrian Conflict: A View from Tehran*”, Royal United Services Institute for Defence and Security Studies (Occasional Paper).
- 5) Cordesman, Anthony H. (September 6, 2012),”*Iran and U.S. Options for Preventive Military Strikes*”, CSIS.
- 6) Glaser, Charles (August 23, 2016),” *Crude Strategy: Rethinking the US Military Commitment to Defend Persian Gulf Oil*”, Elliott School of International Affairs.
- 7) -Mohseni, Ebrahim, Nancy Gallagher & Clay Ramsay (June 2015 ), “*Iranian Public Opinion on the Nuclear Negotiation, A public opinion study*”, The Center for International and Security Studies at Maryland (CISSM), University of Tehran Center for Public Opinion Research (UTCPOR), IranPoll.com.
- 8) –Sagan, Scott, Kenneth Waltz and Richard K. Betts (Feb 2007),” *A Nuclear Iran: Promoting Stability or Courting Disaster*”, Journal of International Affairs, Vol.60 Number.2.
- 9) Waltz, Kenneth (1981), “*The Spread of Nuclear Weapons: More May Better*,” Adelphi Papers, (London: International Institute for Strategic Studies, Number 171, Available at:
- 10)<https://www.mtholyoke.edu/acad/intrel/waltz1.htm>
- 11)Waltz N., Kenneth (2012, July/August),” *Why Iran Should Get the Bomb: Nuclear Balancing Would Mean Stability*”, Hein Online - Foreign Affairs, Vol.91, No.4.
- 12)-Zarif, Mohammad Javad (May/June 2014), “*What Iran Really Wants: Iranian Foreign Policy in the Rouhani Era*”, Foreign Affairs.
- 13)Dalton, Melissa G. (May 2016), “*Navigating Gulf Waters After the Iran Nuclear Deal: Iran’s Maritime Provocations and Challenges for U.S. Policy*”, CSIS.
- 14)National Intelligence Council (NIC) (November 2008)”, *National Intelligence Estimate, Iran: Nuclear Intentions and Capabilities*”.
- 15)-Rhode, Harold,( November 2010),” *The Source of Iranian Negotiating Behavior*”, Jerusalem Center for Public Affairs, Institute for Contemporary Affairs.
- a. Aleksashenko, Sergey (October 16, 2015), “*A Three-sided Disaster: The*

- American, Russian, and Iranian strategic triangle in Syria*”, Brookings Institution.
- 16)-Ali, Idrees (Sep 7, 2016),” *Iran vessel 'harasses,' sails close to U.S. Navy ship in Gulf: U.S. official*”, Reuters
- 17)-American Foreign Policy Council (AFPC) (April 4, 2016), “*Conference Summary: Iran After The Nuclear Deal*”.
- 18)Cohen, Josh (Jul 7, 2016), “*The U.S. commitment to the Persian Gulf is outdate*”.
- 19)-Davenport, Kelsey (Updated: January 2014),” *History of Official Proposals on the Iranian Nuclear Issue*”, Arms Control Association.
- 20)Global Security (No Date), “*Hizbollah Rockets*”, Available at: <http://www.globalsecurity.org/military/world/para/hizballah-rockets.htm>
- 21)Heinonen, Olli (March 28, 2015), *Iran's Nuclear Breakout Time: A Fact Sheet*, Washington Institute.
- 22)Hersh, Seymour M (, April 17, 2006),” *The Iran Plans*”, the New Yorker.
- 23)-IAEA (Jan 2017), “*IAEA and Iran: Chronology of Key Events*”, Available at: <https://www.iaea.org/newscenter/focus/iran/chronology-of-key-events>
- 24)Iran Watch (July 13, 2016), “*Iran Missile Milestones: 1985-2016*”, Available at: <http://www.iranwatch.org/our-publications/weapon-program-background-report/iran-missile-milestones-1985-2016>
- 25)Lewis, Jeffrey (October 28, 2006), “*NCRI Did Not Discover Natanz*”, Arms Control Wonk,
- 26)Lockie, Alex (Sep. 6, 2015), “*Why Iran is 'playing with fire' in the Persian Gulf against US Navy ships*”.
- 27)Nuclear Threat Initiative (NTI) (May 2011: Last Updated),” *Iran Nuclear Chronology*”, available at: [http://www.nti.org/media/pdfs/iran\\_nuclear.pdf?\\_=1316542527](http://www.nti.org/media/pdfs/iran_nuclear.pdf?_=1316542527)
- 28)New York Times(FEB. 1, 2007), “*Chirac Strays from Assailing a Nuclear Iran*”.
- 29)Reuters (21, Feb 2014), “*Parisa Iran boosts military support in Syria to bolster Assad*”.
- 30)Reuters (6 Oct, 2015),”*How Iranian general plotted out Syrian assault in Moscow*”.
- 31)Saghafi-Ameri, Nasser (January 16, 2016).” *Iran's Missile Power Challenged*”, Center for Strategic Research.

- 32) Steele, Jeanette (Aug 26, 2016),” *Why is Iran harassing U.S. warships?*”, The San Diego Union-Tribune.
- 33)–Terry, Robert GardGreg (August 4, 2015), “*The Ultimate Nightmare: Why Bombing Iran Would Be a Disaste*”, The National Interest.
- 34) UKESSAYS (March 23, 2015), “*Analyzing Iranian Foreign Policy Under Mohammed Reza Pahlavi Politics Essay*”.